



Analyzing the Concept of Public Policy Instrument Mix and Its Design Criteria Using the Meta-synthesis Method

Mohsen Ghorbanloo 

Ph.D., Department of Policy Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: m.ghorbanloo@gmail.com

Mazaher Yusefi Amiri 

Assistant Prof., Department of Leadership and Human Capital, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: m.yusefi@ut.ac.ir

Maysam Chegin * 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Policy and Public Affairs, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: chegin@ut.ac.ir

Abstract

Objective

Today, public policy instruments are widely recognized as one of the key components of governance systems. A major challenge in policy design lies in selecting appropriate policy instruments or their combinations. Therefore, the aim of this study is to explain the concept of *policy instrument mix* and identify the criteria for its design. This research seeks to address a gap in the literature by providing a comprehensive understanding of how policy instrument mixes can be effectively designed and implemented to achieve policy goals. By focusing on this issue, the study contributes to the broader discourse on governance and policymaking, offering practical insights for both policymakers and researchers.

Methods

This qualitative research was conducted using the meta-synthesis method. Meta-synthesis is a systematic approach that integrates the scattered findings of previous studies to construct a

Citation: Ghorbanloo, Mohsen; Yusefi Amiri, Mazaher & Chegin, Maysam (2025). Analyzing the Concept of Public Policy Instrument Mix and Its Design Criteria Using the Meta-synthesis Method. *Journal of Public Administration*, 17(2), 374- 407. (in Persian)



new conceptual framework. The statistical population of this study consists of existing research studies, which were identified through an extensive search of available sources. These sources were evaluated based on their titles, abstracts, and content, and relevant ones were selected as research samples. Thematic analysis was employed to analyze and synthesize the data, enabling the reporting of the study's final results. This method ensures a rigorous and structured approach to understanding the complexities of policy instrument mixes, facilitating deeper exploration of the topic.

Results

The findings indicate that the literature includes three types of instrument selection theories, each offering different criteria for choosing policy tools. In recent years, the theory of *policy instrument mixes* has gained considerable attention, advocating for the use of a combination of instruments to achieve policy objectives. This approach illustrates that relying on a single instrument is insufficient to meet complex policy goals. However, the results also reveal a lack of consensus among researchers regarding the precise definition of a policy instrument mix and the criteria for its design. Designing an effective mix of public policy instruments is a complex task that requires consideration of multiple criteria and both internal and external factors. The most important criteria identified for designing policy instrument mixes include efficiency, effectiveness, feasibility, equity, consistency, and coherence among instruments. These criteria ensure that the mix is balanced and capable of addressing the multifaceted nature of policy challenges.

Conclusion

To achieve effective policies, it is essential to employ policy instrument mixes and consider their design criteria in a comprehensive and systematic manner. This approach can enhance policy performance and reduce challenges related to implementation. By reviewing a broad spectrum of literature on instrument selection and presenting new theoretical advancements, this study aims to fill a critical gap in the domestic literature. The findings provide valuable insights for policymakers and practitioners, emphasizing the need for a holistic and integrated approach to policy design. Ultimately, the study offers a deeper understanding of how strategically designed policy instrument mixes can strengthen governance and support the achievement of desired policy outcomes. The implications of this research extend beyond theory, offering practical guidance for designing and implementing public policies across diverse contexts.

Keywords: Instruments mixes of public policy, Policy instrument design criteria, Literature review, Public policy, Public policy instruments.



واکاوی مفهوم آمیخته ابزار خطمشی عمومی و معیارهای طراحی آن با روش فراترکیب

محسن قربانلو

دکتری، مدیریت سیاست‌گذاری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: m.ghorbanloo@gmail.com

مظاهر یوسفی امیری

استادیار، گروه رهبری و سرمایه انسانی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.yusefi@ut.ac.ir

میثم چگین*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه خطمشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: chegin@ut.ac.ir

چکیده

هدف: امروزه ابزارهای خطمشی عمومی، به‌عنوان یکی از اجزای کلیدی در نظام‌های حکومتی شناخته می‌شوند. یکی از چالش‌های اصلی در طراحی خطمشی، انتخاب ابزارهای خطمشی یا ترکیبی از ابزارهای مناسب برای کار است. بدین‌منظور، هدف این پژوهش، تبیین مفهوم آمیخته ابزار خطمشی و شناسایی معیارهای طراحی آن است. این مطالعه به‌دنبال پرکردن خلأ موجود در ادبیات این حوزه و ارائه چارچوبی جامع برای طراحی و اجرای مؤثر آمیخته ابزارهای خطمشی است.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که با استفاده از روش فراترکیب اجرا شده است. فراترکیب روشی است که یافته‌های پراکنده مطالعات پیشین را در راستای ارائه چارچوب مفهومی جدید با یکدیگر تلفیق می‌کند. جامعه آماری این پژوهش، مطالعات پژوهشی قبلی است که پس از جست‌وجو و یافتن منابع موجود، از طریق بررسی و ارزیابی عنوان، چکیده و محتوای منابع یافت‌شده، منابع مناسب به‌عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شدند. به‌علاوه، برای تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها و گزارش نتیجه نهایی این پژوهش، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با رویکردی نظام‌مند، داده‌ها را تحلیل و ترکیب کنند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که در ادبیات، سه نوع تئوری انتخاب ابزار وجود دارد که هر یک معیارهای متفاوتی را برای انتخاب ابزارها ارائه می‌دهد. در سال‌های اخیر، تئوری آمیخته ابزار خطمشی عمومی در کانون توجه قرار گرفت. این تئوری بر استفاده از ترکیبی از ابزارها برای دستیابی به اهداف خطمشی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف خطمشی، فقط با به‌کارگیری یک نوع ابزار

استناد: قربانلو، محسن؛ یوسفی امیری، مظاهر و چگین، میثم (۱۴۰۴). واکاوی مفهوم آمیخته ابزار خطمشی عمومی و معیارهای طراحی آن با روش فراترکیب. مدیریت دولتی، ۱۷(۲)، ۳۷۴-۴۰۷.

امکان‌پذیر نیست. با این حال، یافته‌ها نشان داد که هنوز در تعریف دقیق مفهوم آمیخته ابزار خطمشی و تعیین معیارهای طراحی آن، اتفاق نظری بین محققان وجود ندارد. علاوه‌براین، طراحی آمیخته ابزارهای خطمشی عمومی، فرایندی پیچیده است و به توجه به معیارهای گوناگون و در نظر گرفتن هم‌زمان عوامل درونی و بیرونی نیاز دارد. براساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین معیارهای طراحی آمیخته ابزار خطمشی عبارت‌اند از: کارایی، اثربخشی، امکان‌پذیری اجرایی، عدالت، سازگاری و انسجام بین ابزارها.

نتیجه‌گیری: برای دستیابی به خطمشی‌های مؤثر و پایدار، باید از ترکیبی از ابزارهای خطمشی استفاده کرد و معیارهای طراحی را به‌طور جامع و نظام‌مند در نظر گرفت. این رویکرد می‌تواند به بهبود عملکرد خطمشی‌ها و کاهش چالش‌های اجرایی کمک کند. این پژوهش با پوشش گسترده‌ای از ادبیات انتخاب ابزار و ارائه تحولات نظری جدید، تلاش می‌کند تا خلأ موجود در ادبیات این حوزه در کشور را پسر کند. نتایج این مطالعه می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران در طراحی و اجرای خطمشی‌های عمومی مؤثر استفاده شود. این پژوهش نه تنها به توسعه ادبیات نظری در این حوزه کمک می‌کند، بلکه راه‌کارهای عملی برای بهبود فرایند طراحی و اجرای خطمشی‌ها ارائه می‌دهد. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در طراحی خطمشی‌ها، این مطالعه بر اهمیت توجه به معیارهای چندگانه و هماهنگی بین ابزارها تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خطمشی عمومی، ابزارهای اجرای خطمشی عمومی، معیارهای طراحی ابزارهای خطمشی، آمیخته ابزار خطمشی عمومی، مرور ادبیات پژوهشی.

مقدمه

امروزه ابزارهای خطمشی عمومی به عنوان یکی از اجزای کلیدی در نظام‌های حکومتی شناخته می‌شوند (سالامون^۱، ۲۰۰۲). دولت‌ها برای اجرای خطمشی‌های خود به ابزارهایی نیاز دارند تا برنامه‌هایشان را عملیاتی کنند و راه‌حل‌های پیشنهادی برای مسائل اجتماعی، اقتصادی و دیگر چالش‌ها را به مرحله اجرا برسانند. در نتیجه، یکی از چالش‌های اصلی در طراحی خطمشی، انتخاب ابزارهای خطمشی یا ترکیبی از ابزارهای مناسب برای کار است (هاولت^۲، ۲۰۲۳). خطمشی‌گذاران آینده‌نگر با در نظر گرفتن تمامی جوانب، خطمشی و ابزارهای اجرایی آن را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که در آینده با کمترین چالش مواجه شوند (الوانی، ۱۳۸۷)؛ از این رو، انتخاب ابزارهای مناسب برای اجرای خطمشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت نظام‌های خطمشی‌گذاری دارد و به بررسی‌های دقیق نیازمند است تا اجرای مؤثر خطمشی‌ها تضمین شود. به عبارت دیگر، یک خطمشی عمومی مطلوب، خطمشی‌ای است که ابزارهای اجرایی مناسب در آن پیش‌بینی و تعیین شده باشند (الوانی، ۱۳۸۷).

در ادبیات حوزه ابزار خطمشی، سه نسل مختلف از تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی مطرح شده است (اوتول^۳، ۲۰۰۰). تئوری اول، رویکرد سنتی را ارائه می‌دهد که بر استفاده از یک ابزار واحد تأکید دارد (سالامون، ۲۰۰۲). تئوری دوم، با تمرکز بر مطالعات تطبیقی و موردی، مدل‌های انتخاب ابزار را توسعه داده است. با این حال، به دلیل نتایج ضعیف ناشی از رویکرد تک‌ابزاری، نظریه‌پردازان به سمت نسل سوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی، یعنی استفاده از ترکیبی از ابزارها برای دستیابی به اهداف خطمشی حرکت کرده‌اند (هاولت و لجانو^۴، ۲۰۱۳).

افزایش توجه به رویکرد ترکیبی در ابزارهای خطمشی، از پیچیدگی فزاینده مسائل جوامع امروزی نشئت می‌گیرد. مشکلات نوظهور و مشکلاتی مانند تغییرات آب‌وهوایی یا نابرابری‌های اجتماعی، ابعاد گوناگونی دارند و راه‌کارهای قبلی برای حل آن‌ها کافی نیستند. برای مقابله با این چالش‌ها، نمی‌توان تنها به یک ابزار یا راه‌حل اکتفا کرد، بلکه به اتخاذ رویکردی چندجانبه‌گرا نیاز است. سیاست‌گذاران می‌توانند با ترکیب ابزارهای مختلف، مسائل پیچیده را بهتر مدیریت کنند و راه‌حل‌های جامع‌تری برای مشکلات عمومی ارائه دهند (هاولت، ۲۰۱۱). از طریق ترکیب ابزارهای خطمشی، نقاط ضعف برخی ابزارها می‌تواند با ابزارهای دیگر جبران و به اثربخشی سیاستی منجر شود (لیندبرگ، مارکارد و آندرسن^۵، ۲۰۱۹). علاوه بر این، استفاده از ابزارهای مختلف می‌تواند جنبه‌های مختلف یک مشکل را هدف قرار دهد (داگبرگ و سوندرسکو^۶، ۲۰۱۲).

نسل سوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی، طی چند دهه اخیر، توجه بسیاری از محققان در نقاط مختلف جهان را جلب کرده و جنبه‌های مختلف آن در حوزه‌های مختلف خطمشی‌گذاری بررسی شده است (بوکمن و دایسندروف^۷،

1. Salamon

2. Howlett

3. O'Toole

4. Howlett & Lejano

5. Lindberg, Markard & Andersen

6. Daughbjerg & Sønderskov

7. Buckman & Diesendorf

۲۰۱۰). نتایج تحقیقات مرتبط با این نسل، نشان‌دهنده مزایای آمیخته ابزار خطمشی نسبت به رویکرد تک‌ابزاری است. برخی از این مزایا عبارت‌اند از: افزایش اثربخشی و احتمال اجرای موفق خطمشی‌ها (جیوونی، مک میلن، بنیستر و فیتلسون^۱، ۲۰۱۳؛ هاوالت، رامش و کاپانو^۲، ۲۰۲۰)؛ روش‌های سریع و کارآمد برای دستیابی به اهداف خطمشی (ون گوسوم، آرتس و ورهین^۳، ۲۰۰۹)؛ بهبود پیامدهای خطمشی (گانگهوف^۴، ۲۰۰۶)؛ ایجاد هم‌افزایی مثبت و مقابله بهتر با شکست بازار (فریره گونزالس^۵، ۲۰۱۸)؛ توانایی پاسخ‌گویی و مدیریت جنبه‌های چندبعدی مسائل و بهبود عملکرد و کارایی ابزارها (فالکونیا، لوپولیتوب و سیکاک^۶، ۲۰۱۹)؛ توجه به زمینه اجرای خطمشی‌گذاری (برسرز و اوتول^۷، ۲۰۰۴)؛ گسترش دامنه ابزارهای در دسترس؛ منطقی کردن یا تثبیت ابزارهای قدیمی؛ به‌کارگیری آمیخته‌های بهینه ابزارها در زمینه‌های پیچیده تصمیم‌گیری و پیاده‌سازی و انعطاف‌پذیری آن (کاپانو و هاوالت^۸، ۲۰۲۰).

در سه دهه اخیر، مطالعات گسترده‌ای در زمینه آمیخته ابزار خطمشی در سطح جهانی انجام شده و ادبیات غنی‌ای در این حوزه شکل گرفته است. با این حال، در کشور ما این موضوع هنوز به اندازه کافی بررسی نشده‌اند و تحقیقات موجود، به‌طور عمده بر جنبه‌های خاصی از ابزارهای خطمشی متمرکز بوده‌اند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که کمتر به چگونگی ترکیب اصولی این ابزارها برای دستیابی به اهداف سیاستی پرداخته شده است. این در حالی است که مرور نظام‌مند ادبیات، موجود می‌تواند به درک بهتر چارچوب‌های نظری و شواهد تجربی در این زمینه کمک کند. همان‌طور که کالاهان (۲۰۱۴) اشاره کرده است، تحلیل و ترکیب اطلاعات پژوهشی موجود می‌تواند تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را تقویت کند و به خطمشی‌گذاران در طراحی راهبردهای مؤثر یاری رساند.

با توجه به سابقه طولانی مطالعات ابزار خطمشی در جهان و نیاز به توسعه این حوزه در کشور، این پژوهش بر آن است تا با بررسی نظام‌مند منابع معتبر علمی (از پایگاه داده ISI تا ژانویه ۲۰۲۵)، به این پرسش پاسخ دهد: «چگونه انواع خاصی از ابزارهای خطمشی، به‌صورت اصولی ترکیب می‌شوند تا به اهداف سیاستی دست یابند؟». در این راستا، مقاله حاضر با تبیین مفهوم‌ها، مزیت‌ها، نظریه‌ها و معیارهای طراحی آمیخته ابزار خطمشی، در پی ارائه چارچوبی روشمند برای انتخاب و ترکیب ابزارهای خطمشی است.

ارزش این پژوهش در آن است که با استناد به ادبیات پژوهشی، نشان می‌دهد که رویکرد آمیخته ابزار خطمشی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در خطمشی‌گذاری عمومی استفاده شود. امید است که یافته‌های این پژوهش توجه خطمشی‌گذاران و تصمیم‌سازان را به اهمیت ترکیب هوشمندانه ابزارهای خطمشی جلب کند و زمینه را برای پژوهش‌های آینده در این حوزه فراهم آورد. همچنین، با توجه به چالش‌های موجود در نظام حکمرانی کشور که عمدتاً از

1. Givoni, Macmillen, Banister & Feitelson
2. Howlett, Ramesh & Capano
3. Van Gossum, Arts & Verheyen
4. Ganghof
5. Freire-González
6. Falconea, Lopolitob & Sicac
7. Bressers & O'Toole
8. Capano & Howlett

تمرکز بر رویکردهای تک‌ابزاری نشئت گرفته است، این مطالعه می‌تواند به بهبود کیفیت طراحی و اجرای خطمشی‌ها کمک کند.

پیشینه پژوهش

ابزار اجرای خطمشی

هر دولتی برای اجرای خطمشی‌ها به ابزارهایی نیاز دارد که به کمک آن‌ها برنامه‌های خود را محقق سازد و راه‌حل‌های انتخاب شده برای مشکلات اجتماعی، اقتصادی و غیره را عملی کند. امروزه ابزارها به‌عنوان یکی از اجزای محوری در تمامی دولت‌ها در نظر گرفته می‌شوند (سالمون، ۲۰۰۲). موضوع انتخاب ابزار اجرای خطمشی، در موفقیت نظام خطمشی‌گذاری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و باید بررسی‌های دقیقی در این زمینه انجام شود تا با انتخاب ابزار مناسب، موفقیت اجرا تضمین شود. شاید به جرئت بتوان ادعا کرد که خطمشی عمومی مطلوب و مؤثر، خطمشی‌ای است که در آن ابزارهای مناسب اجرا، پیش‌بینی و تعیین شده باشد (الوانی، ۱۳۸۷).

ابزار خطمشی که گاهی وسایل خطمشی یا ابزارهای حاکم نیز نامیده می‌شوند، توسط محققان به گونه‌های متفاوتی تعریف شده‌اند. هاوالت (۲۰۰۵) ابزار خطمشی را سلسله‌ای از تدابیر و وسایلی می‌داند که دولت برای تحقق بخشیدن به خطمشی‌ها و به منصه ظهور رساندن آن‌ها به کار می‌گیرد. بنابراین ابزار خطمشی، نوعی از تصمیم‌ها هستند که دولت با به‌کارگیری آن‌ها، نحوه عمل به خطمشی و مقدمات لازم برای عمل کردن به آن را فراهم می‌آورد. نیل و توسان^۱ (۲۰۱۲) ابزارهای خطمشی را وسایل یا تکنیک‌هایی تعریف می‌کنند که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خطمشی خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. لیندر و پیترز^۲ (۱۹۹۱)، ابزار خطمشی را وسایل یا تدابیری واقعی می‌دانند که دولت برای اجرای خطمشی‌ها در اختیار دارند و از میان آن‌ها باید انتخاب صورت گیرد. در واقع، دولت‌ها با استفاده از ابزارهای خطمشی تلاش می‌کنند تا خطمشی‌ها را به اجرا درآورند.

فرایند خطمشی‌گذاری و ابزارهای خطمشی

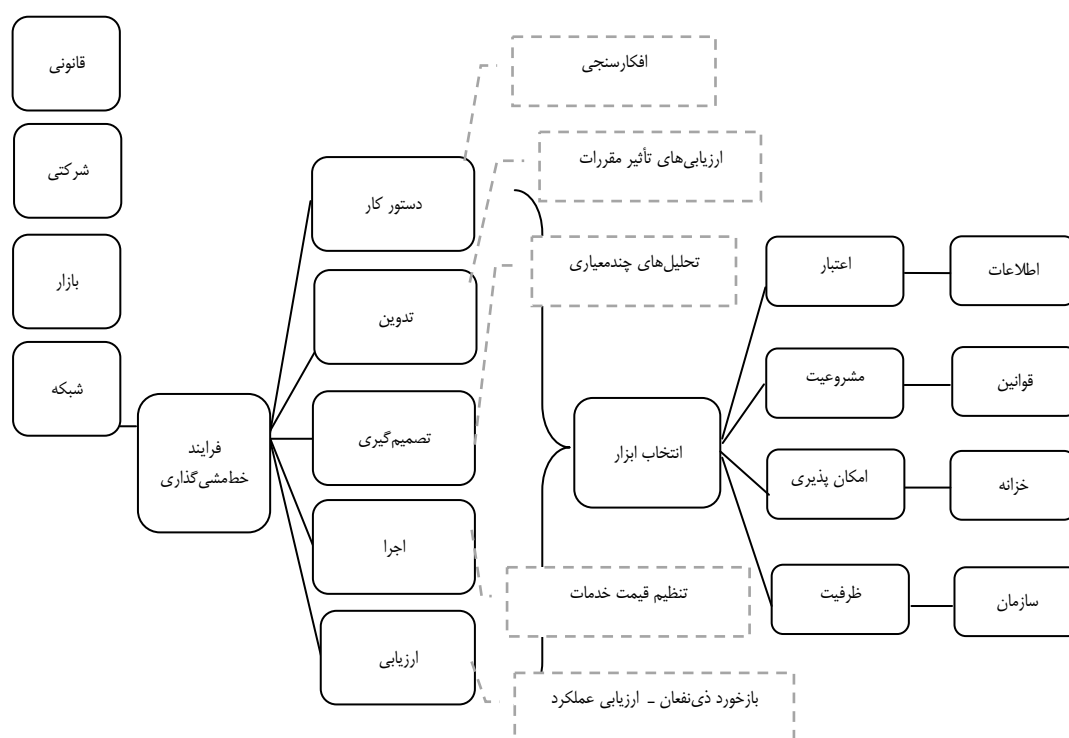
پیش‌تر محققان ابزار خطمشی را در مرحله تدوین خطمشی در نظر می‌گرفتند، در حالی که امروزه بیشتر محققان این حوزه، کل فرایند خطمشی‌گذاری، یعنی تنظیم دستور کار و فرموله‌سازی خطمشی، تصمیم‌گیری، اجرای خطمشی و ارزیابی را شامل ایجاد، طراحی و به‌کارگیری ابزار می‌دانند (هاوالت و همکاران، ۲۰۲۳). تحول اخیر در نگرش به ابزارها (از تمرکز بر اجرا به کل فرایند) نشان‌دهنده اهمیت روزافزون انعطاف‌پذیری و جامع‌نگری در خطمشی‌گذاری مدرن است. از طرف دیگر، ادبیات موجود درباره ابزارها یا وسایل خطمشی از لحاظ تاریخی تقریباً، به‌طور انحصاری بر ابزارهای اجرایی تمرکز داشته است (هاوالت، ۲۰۱۱). با این حال، هر یک از مراحل فرایند خطمشی‌گذاری نیز تحت تأثیر اقدام‌های دولتی

1. Knill & Tosun

2. Linder & Peters

قرار دارد (وو، رامش، هاوالت و فریتزن^۱، ۲۰۱۰) و مجموعه‌های متمایزی از ابزارهای خطمشی را می‌توان در هر یک از مراحل غیراجرایی خطمشی‌گذاری شناسایی کرد. تأمین مالی، تنظیم تشکیل گروه‌های ذی‌نفع، شکل‌دهی به اطلاعات و افکار عمومی از طریق تبلیغات دولتی و کنترل یا تأثیر رسانه‌ها از طریق قوانین آزادی اطلاعات و حریم خصوصی از جمله این ابزارها هستند. درک عمیق این ابزارها، نحوه کاربرد آن‌ها در مراحل مختلف و انتخاب هوشمندانه‌شان، تضمین‌کننده موفقیت خطمشی‌هاست.

از طرف دیگر، ابزارهای خطمشی «چندمنظوره» هستند. یک ابزار ممکن است در مراحل یا حالت‌های مختلف حکومتی (شبکه‌ای، بازارمحور) با اهداف متفاوت به کار رود. یک مقررات که در مرحله اجرایی، یک حالت حکومتی شبکه‌ای که افشای اطلاعات را الزامی می‌کند (افزایش شفافیت)، ظاهر می‌شود، هدف متفاوتی نسبت به یک مقررات دارد که در یک حالت بازار که محدودیت مالکیت یک شرکت به درصد خاصی از یک صنعت را تعیین می‌کند (کنترل انحصار)، وجود دارد. به‌طور مشابه، ابزارهای خطمشی‌ای که در مراحل مختلف فرایند خطمشی‌گذاری به کار می‌روند، هدف‌ها و تأثیرهای متفاوتی دارند. برای مثال، مشاوره‌هایی که در مرحله تنظیم دستور کار انجام می‌شوند، با مشاوره‌هایی که پس از اتخاذ تصمیم انجام می‌شوند، هدف‌ها و اثرهای متفاوتی دارند.



شکل ۱. دامنه کامل ابزارهای خطمشی بر اساس شیوه حکمرانی و مراحل چرخه خطمشی

منبع: (هاوالت، ۲۰۲۳)

مفهوم آمیخته ابزار^۱ خطمشی

با وجود مطالعات گسترده‌ای که در زمینه آمیخته ابزار خطمشی از زمان پیدایش این مفهوم در اواخر ۱۹۹۰ شکل گرفته است، این متغیر به‌خوبی تعریف نشده و مبهم باقی مانده است و روی آن اجماع نظر وجود ندارد (هاولت، کیم و ویور^۲، ۲۰۰۶). این امر به فقدان انباشتگی و همگرایی نتایج تحقیقات انجام شده در این خصوص منجر شده و نظریه‌پردازی در این زمینه را عقب انداخته و به‌تبع آن، درک پدیده آمیخته ابزار خطمشی با وجود تحقیقات تجربی بسیار، پیشرفت چندانی نسبت به مراحل ابتدایی تحقیقات در این زمینه را در بر نداشته است (رینگ و شروتز شلاک^۳، ۲۰۱۱).

یکی از مهم‌ترین تعاریف ارائه‌شده برای آمیخته ابزار خطمشی را سازمان توسعه همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۷ ارائه کرده است که آن را به‌عنوان ترکیبی از چند ابزار تعریف می‌کند (جیوونی و همکاران، ۲۰۱۳) که این تعریف چندان دقیق نیست و به نظر می‌رسد کلی و سطحی باشد. همچنین، این واژه در ادبیات خطمشی‌گذاری به‌جای واژه آمیخته خطمشی به‌کار می‌رود. در این رابطه، دانش‌پژوهان در زمینه تعاریف و تفاوت آمیخته خطمشی و آمیخته ابزار خطمشی^۴ بحث‌های فراوانی کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت به ازای هر پژوهشگر، تفسیر منحصر به فردی از این موضوع وجود دارد. تفاوت بین آمیخته خطمشی و آمیخته ابزار خطمشی در ادبیات پژوهشی خطمشی‌گذاری عمومی به‌طور واضح مورد بحث قرار گرفته است. این دو مفهوم اگرچه مرتبط هستند، از نظر دامنه و تمرکز تفاوت‌های اساسی دارند. در ابتدایی‌ترین شکل، مطالعات به‌طور ضمنی یا صریح، آمیخته خطمشی را به‌عنوان ترکیبی از ابزارهای مختلف خطمشی تعریف می‌کنند (اسپایرا، کورتینوویس و رونچی^۵، ۲۰۲۳؛ لی، ونگ، ونگ و ونگ^۶، ۲۰۲۰). با این حال، برخی محققان تعریف این دو را متفاوت می‌دانند (پیرا، کاربالو پنلا، گوئرا و ونس^۷، ۲۰۱۸؛ کاپونو و هاولت^۸، ۲۰۲۰؛ مانتینو^۹، ۲۰۱۹). کرن و هاولت^۹ (۲۰۰۹) آمیخته خطمشی را تنظیمات پیچیده‌ای از اهداف و وسایل متعدد تعریف کرده‌اند که در بسیاری از موارد، به‌تدریج در طول سال‌ها توسعه یافته‌اند. فلانگان، اویارا و لارانجا^{۱۰} (۲۰۱۱) تأکید می‌کنند که آمیخته خطمشی، چیزی بیش از ترکیب ابزارهای خطمشی است و فرایندهایی را شامل می‌شود که توسط آن ابزارها ظهور و با یکدیگر تعامل می‌کنند. بنابراین، می‌توان بیان کرد که آمیخته خطمشی نه تنها شامل ابزارها و استراتژی‌های متقابل برای اهداف بلندمدت می‌شود، بلکه فرایندهای زیربنایی را در اساس فرمول‌بندی خطمشی نیز دربرمی‌گیرد (فالکونا و همکاران، ۲۰۱۹).

هاولت، پونگ هاو و دل ریو^{۱۱} (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «پارامترهای سبد خطمشی^{۱۲}؛ عمودی بودن و افقی

1. Instrument mix
2. Howlett, Kim & Weaver
3. Ring & Schröter-Schlaack
4. policy mix
5. Spyra, Cortinovis & Ronchi
6. Li, Wang, Wang & Wang
7. Pereira, Carballo-Penela, Guerra & Vence
8. Mantino & Vanni
9. Kern & Howlett
10. Flanagan, Uyarra & Laranja
11. Howlett, Pung How & Del Rio
12. Policy portfolios

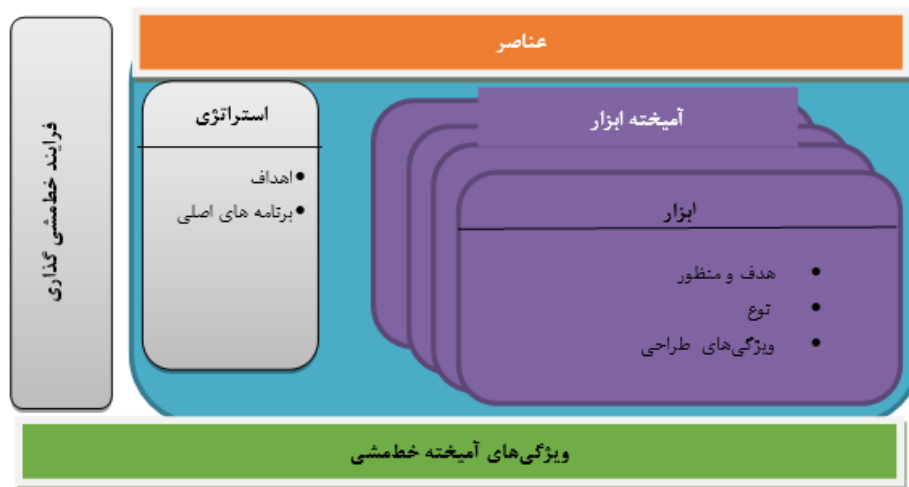
بودن در فضای طراحی و نتایج آن» تلاش کردند تا ابهام‌های موجود بین این دو اصطلاح را از طریق طبقه‌بندی تئوریکی از انواع مختلف مجموعه خطامشی کاهش دهند. این طبقه‌بندی دو بُعد افقی و عمودی دارد. در بُعد افقی، نوع ابزارها و در بُعد عمودی، شامل تعداد اهداف، تعداد خطامشی‌ها، تعداد سطوح دولتی^۱ و بخش‌های درگیر در ساخت سبد خطامشی هستند. این ابعاد، هشت وضعیت مختلف را ایجاد می‌کند که در چهار وضعیت آن مربوط به آمیخته‌های ابزار خطامشی نسبتاً ساده و چهار وضعیت دیگر به آمیخته‌های خطامشی پیچیده مربوط است. در این نوع‌شناسی، بُعد «ترکیب افقی» به نوع روابط موجود بین ابزارها، اهداف و خطامشی‌ها در یک سطح از دولت و بخش خطامشی‌گذار اشاره دارد، در حالی که بُعد «ترکیب عمودی» شامل تعداد ابزارها، اهداف و خطامشی‌های موجود در یک آمیخته و همچنین، تعداد بخش‌های خطامشی‌گذار درگیر و تعداد دولت‌های فعال در تدوین خطامشی است.

همچنین، راج و ریچارد^۲ (۲۰۱۶) در مقاله با عنوان «آمیخته خطامشی برای انتقال پایداری: یک مفهوم و چارچوب گسترده برای تحلیل» ارائه داده‌اند. این چارچوب به‌طور مستقیم به تفکیک بین آمیخته خطامشی و آمیخته ابزار خطامشی نمی‌پردازد، با این حال، با استفاده از این مدل می‌توان به‌طور غیرمستقیم این دو مفهوم را از هم تفکیک کرد. در مدل مفهومی ارائه‌شده، آمیخته خطامشی به تعامل بین چندین خطامشی مختلف در سطح کلان می‌پردازد، در حالی که آمیخته ابزار خطامشی بر ترکیب ابزارهای مختلف برای اجرای یک خطامشی خاص در سطح عملیاتی تأکید دارد. در شکل ۲، عناصر و ارتباط آن‌ها با آمیخته ابزار خطامشی و استراتژی‌ها نشان داده شده است. این چارچوب مفهومی بر سه بُعد اصلی متمرکز است که برای تحلیل آمیخته خطامشی استفاده می‌شود:

۱. عناصر آمیخته خطامشی: عناصر این بُعد در هسته مفهوم ترکیب خطامشی قرار دارند و به محتوای آمیخته خطامشی اشاره می‌کنند و شامل (الف) آمیخته ابزار خطامشی (ابزارهای سیاستی متعامل که با اهداف، نوع و ویژگی‌های طراحی‌شان مشخص می‌شود)، و (ب) استراتژی خطامشی (با اهداف آن (شامل اهداف بلندمدت) و برنامه‌های اصلی می‌شود).
۲. ویژگی‌های آمیخته خطامشی
۳. فرایندهای طراحی آمیخته خطامشی.

بنابراین می‌توان گفت که تفاوت اصلی بین آمیخته خطامشی (ترکیب خطامشی‌های انرژی و محیط زیست) و آمیخته ابزار خطامشی (ترکیب یارانه‌ها و قوانین برای کاهش آلودگی هوا) در سطح تحلیل و تمرکز آن‌هاست. آمیخته خطامشی به تعامل بین چندین خطامشی مختلف در سطح کلان می‌پردازد، در حالی که آمیخته ابزار خطامشی بر ترکیب ابزارهای مختلف برای اجرای یک خطامشی خاص در سطح عملیاتی تأکید دارد. هر دو مفهوم در ادبیات پژوهشی خطامشی‌گذاری عمومی اهمیت دارند و می‌توانند به خطامشی‌گذاران کمک کنند تا راه حل‌های جامع‌تری برای مشکلات عمومی طراحی کنند (راج و ریچارد، ۲۰۱۶؛ کاپانو و هاوالت، ۲۰۲۰).

۱. منظور از سطوح دولت سه سطح دولت یعنی فدرالی، محلی و ایالتی است.



شکل ۲. مفهوم آمیخته خطمشی

راج و ریچارد (۲۰۱۶)

تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی

در ادبیات خطمشی‌گذاری عمومی، بحث درباره تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی به چند نسل مختلف تقسیم‌بندی شده است. این تقسیم‌بندی، بر اساس تحولات نظری و تجربی در این حوزه صورت گرفته است. برخی از محققان از جمله لیندر و پیترز (۱۹۸۹) به دو نسل و برخی محققانی نظیر هاوالت (۲۰۱۱) به سه نسل از تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی اشاره می‌کنند. این تفاوت در تعداد نسل‌ها به دلیل تفاوت در دیدگاه‌ها و تعاریف محققان از مراحل تحول این تئوری‌ها است و این موضوع باعث می‌شود که نسل دوم به عنوان یک مرحله گذرا در نظر گرفته شود و با نسل اول تلفیق شده و کمتر به طور مستقل مورد بحث قرار گیرد.

در نسل اول، دانشمندان به بررسی ابزارهای دولت پرداختند و بیشتر بر تحلیل روابط بین کسب‌وکار و دولت و تأثیرات مقررات دولتی بر بهره‌وری کسب‌وکار تأکید داشتند (هاوالت، هیل و الیادیس^۱، ۲۰۰۵). با این حال، پس از وقوع موج خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی و تغییر شکل حکمرانی از مدل سلسله‌مراتبی به مدل‌های بازاری و شبکه‌ای، کاستی‌های این نسل از تئوری‌ها به تدریج آشکار شد (هاوالت و رامش^۲، ۱۹۹۸).

برخی از کاستی‌های نسل اول شامل توجه به معیارهای فنی در انتخاب ابزار (هاوالت و راینر^۳، ۲۰۰۷) و تأکید بر تصمیم‌هایی بود که تنها به یک ابزار نیاز داشتند (گانینگهام، گرابوسکی و سینکلر^۴، ۱۹۹۸). در این نسل، اکثر مطالعات به طور انحصاری بر تک‌ابزاری تمرکز داشتند و حتی محققان این دوره اذعان می‌کردند که انتخاب ابزار از درون مجموعه ابزارها انجام می‌شود (هود^۵، ۲۰۰۷). همچنین، بیشتر مطالعات نسل اول به ابزارهای اساسی توجه داشتند که به طور

1. Howlett, Hill & Eliadis

2. Howlett & Ramesh

3. Howlett and Rayner

4. Gunningham, Grabosky & Sinclair

5. Hood

مستقیم بر نوع، میزان و سایر ویژگی‌های کالاها و خدماتی که در جامعه عرضه می‌شود، تأثیرگذارند و در مقابل، به ابزارهای فرایندی توجه کمتری داشتند (هاولت و همکاران، ۲۰۰۶). به‌طور کلی، مطالعات نسل اول دربارهٔ پیچیدگی به‌کارگیری ابزارهای متعدد در زمینه‌های مختلف خطمشی‌گذاری، بینش محدودی ارائه می‌دادند (جیوونی و همکاران، ۲۰۱۳)؛ اما این مطالعات آغاز خوبی برای بررسی و توسعهٔ طبقه‌بندی‌های دقیق‌تر از این ابزارها، در سال‌های بعدی به‌شمار می‌رفت.

نسل دوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی که از دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ شکل گرفت، به‌تدریج جایگزین نسل اول شد. نسل اول بیشتر بر رویکردهای نظری و تئوریک متمرکز بود و ابزارهای خطمشی را به‌صورت انتزاعی و بدون توجه به بسترهای عملی و اجرایی تحلیل می‌کرد. اما نسل دوم با تأکید بر مطالعات تطبیقی و موردی، سعی کرد تا با بررسی تجربه‌های واقعی، به درک بهتری از نحوهٔ عملکرد ابزارهای خطمشی در شرایط مختلف دست یابد. برخلاف نسل اول که صرفاً بر کارایی و هزینه‌فایده متمرکز بود، این نسل از تئوری‌ها نشان داد که انتخاب ابزارها تنها بر اساس معیارهای فنی و اقتصادی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل محیطی مانند ساختارهای نهادی، فرهنگ سیاسی، و روابط بین ذی‌نفعان نیز قرار دارد. نسل دوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی با تأکید بر زمینه و محیط، نقش نهادها و تعاملات بین ذی‌نفعان، تحول مهمی در این حوزه ایجاد کرد. این نسل مزایایی مانند توجه به شرایط محلی، انعطاف‌پذیری بیشتر و تأکید بر نقش نهادها داشت. با این حال، معایبی مانند پیچیدگی بیش از حد، کمبود معیارهای روشن و وابستگی بیش از حد به نهادها نیز داشت. این نسل پایه‌ای برای توسعهٔ نسل سوم تئوری‌ها (طراحی و ترکیب ابزار) فراهم کرد.

در اواخر دههٔ ۱۹۹۰، نسل سوم تئوری انتخاب ابزار با معرفی مفهوم آمیخته ابزار خطمشی ظهور کرد (گانینگهام و یانگ^۱، ۱۹۹۷). گاتینگهام و همکاران (۱۹۸۴) از جمله نخستین افرادی بودند که در این زمینه فعالیت خود را آغاز کردند. آن‌ها با طرح مفهوم «قوانین هوشمندانه» در انتخاب آمیخته ابزار خطمشی، محققان دیگر را به شناسایی تعاملات میان ابزارهای درون آمیخته ابزار خطمشی یا «مجموعه ابزارها» ترغیب کردند (بوکمن و دایسندورف، ۲۰۱۰). در این دوره، برخی محققان مانند کاپانو و لپی^۲ (۲۰۱۷) اقدام به طراحی الگویی برای انتخاب آمیخته ابزار کرده‌اند (جدول ۱). این الگو شامل چهار الگوی رایج است: الگوی محافظه‌کارانه، الگوی طبقه‌بندی‌شده (تغییر تدریجی)، الگوی ترکیبی و الگوی لایه‌بندی (نوآورانه).

تصمیم‌گیری برای انتخاب ابزار بر اساس ترکیبی از دو نیروی مشروعیت و اثربخشی ابزار صورت می‌گیرد. مشروعیت داخلی یا خارجی و ابزار عمومی یا خاص، تأثیر متقابلی دارند که تصمیم‌گیرندگان را به شیوه‌های مختلفی هدایت می‌کند و ترجیحات آن‌ها را در جهات مختلف شکل می‌دهد.

نوآوری‌های نسل سوم تئوری انتخاب ابزار خطمشی، توجه بسیاری از محققان در نقاط مختلف جهان را جلب کرده و مفهوم آمیختهٔ ابزار خطمشی و جنبه‌های مختلف آن، در حوزه‌های مختلف خطمشی‌گذاری بررسی شده است (بوکمن و دایسندورف، ۲۰۱۰). نتایج این تحقیقات مزایای فراوان آمیختهٔ ابزار خطمشی نسبت به رویکرد تک‌ابزاری را نشان

1. Gunningham and Young

2. Capano and Lippi

می‌دهد (کرن، کیویما و مارتیسکاینن^۱، ۲۰۱۷؛ فالکونا و همکاران، ۲۰۱۹). برخی از این مزایا عبارت‌اند از: افزایش اثربخشی و احتمال اجرای موفق خطمشی‌ها (جیوونی و همکاران، ۲۰۱۳)؛ روش‌های سریع و کارآمد برای دستیابی به اهداف خطمشی (ون گوسوم و همکاران، ۲۰۰۹)؛ توسعه راه‌حل‌های جدید و ابتکاری (کمپ، اولستورن، اوسترهویس و وربروگن^۲، ۱۹۹۲)؛ بهبود پیامدهای خطمشی (گانگهوف، ۲۰۰۶)؛ ظرفیت بالا برای کاهش یا حذف موانع اجرا و اثرهای ناخواسته (اوپتیک^۳، ۲۰۱۱)؛ ایجاد هم‌افزایی مثبت و مقابله بهتر با شکست بازار (فریره و گونزالس، ۲۰۱۸)؛ کاهش مقاومت و افزایش قابلیت اجرایی خطمشی‌ها (گاول^۴، ۱۹۹۱)؛ توانایی پاسخ‌گویی و مدیریت جنبه‌های چندبعدی مسائل و بهبود عملکرد و کارایی ابزارها (فالکونا و همکاران، ۲۰۱۹).

جدول ۱. چهار الگوی مؤثر بر انتخاب ابزار خطمشی^۵

مشروعیت			
بیرونی	داخلی		
ترکیبی	محافظه کارانه (رایج)	خاص (منحصر به فرد)	ابزاری (انسجام و کارایی در ارتباط با هدف مورد نظر)
طبقه‌بندی شده	لایه‌بندی	عمومی	

جدول ۲. مختصات تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی

ماهیت	نسل اول دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰	نسل دوم دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	نسل سوم از اواخر دهه ۱۹۹۰
تأکید بر / تمرکز	تئوری‌های مبتنی بر کارایی، شروع مطالعات اولیه ابزار در رشته‌های مختلف سیاسی و اقتصاد، تجزیه و تحلیل رابطه کسب و کار و دولت و نیز اثرهای مقررات دولتی و	تئوری‌های مبتنی بر زمینه و محیط، توسعه مدل‌های مختلف انتخاب ابزار از طریق مطالعات موردی و مطالعات تطبیقی، ایجاد مدل‌های ظریف‌تر و مرتبط‌تری از فرایندهای انتخاب ابزار	توسعه تئوری‌های انتخاب ابزار با استفاده از مدل‌های نسل‌های اول و دوم برای موضوع ترکیب ابزارهای خطمشی، تعریف آمیخته ابزار خطمشی عمومی و شناسایی عوامل،

1. Kern, Kivimaa & Martiskainen

2. Kemp, Olsthoorn, Oosterhuis & Verbruggen

3. Optic

4. Gawel

۵. طبق این الگو، ابزارها براساس وسعت پوشش مشکلات و موقعیت‌های سیاسی به دو دسته خاص (برای مسائل خاص) و عمومی (طیف وسیعی از مسائل) تقسیم‌بندی می‌شوند.

الگوی رایج، الگوی انتخابی‌ای است که تصمیم‌گیرندگان همچنان همان ابزار سیاست را به همان شیوه به کار می‌گیرند، بدون هیچ گونه تغییری یا افزوده ابزار جدید. این الگو، حفظ وضعیت موجود را نشان می‌دهد.

لایه‌بندی، الگوی خاصی است که تصمیم‌گیرندگان آگاهانه ابزارهای جدیدی را به مجموعه ابزارهای موجود اضافه می‌کنند. این ابزار ممکن است برای موقعیت مورد نظر مناسب نباشد.

ترکیبی، الگوی انتخابی‌ای است که تصمیم‌گیرندگان با نیاز به مشروعیت خارجی مجبور می‌شوند که در یک بخش سیاست خاص، از طریق تصویب یک ابزار جدید که بسیار منحصر به فرد است، نوآوری کنند.

طبقه‌بندی الگوی انتخابی‌ای است که تصمیم‌گیرندگان ابزار جدیدی را به مجموعه ابزارهای موجود اضافه می‌کنند که هیچ رابطه‌ای با ابزارهای قبلی ندارد.

ماهیت	نسل اول دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰	نسل دوم دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	نسل سوم از اواخر دهه ۱۹۹۰
	شکل‌گیری اقتصاد در بهره‌وری کسب‌وکار، تأکید بر مداخله دولت به‌دلیل شکست بازار از طریق ابزارخطمشی، از محققان معروف (هود، ۱۹۸۶). مدل ناتو و سالمون (۱۹۸۱)، انتخاب ابزارها عمدتاً بر اساس اصول اقتصادی و مدیریتی (هود، ۱۹۸۳؛ لیندر و پیترز، ۱۹۸۹)، نگاه تک ابزاری (هود، ۲۰۰۷)، اغلب تمرکز بر ابزارهای اساسی (هاولت و همکاران، ۲۰۰۶)، جایگاه مطالعات ابزارهای خطمشی محدود به مباحث اجرا و ابزارهای اجرایی (پیترز، ۲۰۱۵)، رویکرد چکش^۱ بسیار کند برای استفاده از ابزارهای خطمشی (بالی، هاولت، لویز و رامش^۲، ۲۰۲۱).	مثل نقش شبکه‌های خطمشی در بحث انتخاب ابزار، نگاه تک ابزاری، تمرکز روی ابزارهای اساسی، از محققان مطرح پیترز (۲۰۰۲). انتخاب ابزارهای خطمشی تحت تأثیر عوامل محیطی (سالمون، ۲۰۰۲؛ هاولت، ۱۹۹۱)، تأکید بر اجرا، نگاه میان رشته‌ای با گذشت زمان در مطالعات ابزارهای خطمشی (لیگرید^۳، ۲۰۱۸)	معیارها و ویژگی‌های خاص برای انتخاب و ترکیب بهینه ابزارهای خطمشی در کشورهای مختلف و در زمینه‌های متفاوت، شکل‌گیری ترتیبات خاص NGA، توجه توأمان به ابزار اساسی و فرایندی، رویکرد چاقوی جراحی^۴ برای استفاده از ابزارهای خطمشی (بالی و همکاران، ۲۰۲۱).
سؤال کلیدی	چرا خطمشی‌گذاران از یک ابزار خاص استفاده می‌کنند؟	چرا خطمشی‌گذاران از یک ابزار خاص استفاده می‌کنند (مک‌گلدریک و بوون، ۲۰۱۰)؟	چرا یک ترکیب به خصوصی از ابزارهای فرایندی و اساسی در یک بخش خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد (مک‌گلدریک و بوون، ۲۰۱۰)؟
معایب	نادیده‌گرفتن زمینه و محیط، یک‌سایزنگری^۵ (ابزارهای کارآمد در یک زمینه، در همه زمینه‌ها کارآمد خواهند بود)، بی‌توجهی به ذی‌نفعان (هود، ۱۹۸۳؛ سالمون، ۱۹۸۱)، اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک نسبت به استفاده از ابزارها، بی‌توجهی به ابزارهای فرایندی، انتخاب ابزار براساس معیارهای فنی ابزار (هاولت و رینر، ۲۰۰۷)، تقسیم ابزارها به دو دسته خوب و بد (هاولت و رینر، ۲۰۰۷)، توضیح شیوه‌های اداری پیچیده و	کم‌توجهی به ابزارهای فرایندی، استفاده از طیف محدودی از ابزارها خطمشی، به‌کارگیری یک سبک اجرایی مشخص در بخش‌های مختلف و استفاده از آن سبک برای مدت طولانی (هاولت، ۲۰۰۵)، پیچیدگی بیش از حد انتخاب ابزارها به‌دلیل توجه به زمینه و محیط، کمبود معیارهای روشن برای انتخاب ابزار خطمشی، وابستگی بیش از حد به نهادها و نادیده‌گرفتن عوامل دیگر (هاولت، ۱۹۹۱؛ سالمون، ۲۰۰۲)،	زمان‌بر بودن تجزیه‌وتحلیل ترکیب ابزارها، پرهزینه بودن، مشکل نظارت و کنترل و ارزیابی، خطر ایجاد انحرافات بالقوه متعدد در اقتصاد، مشکل مقایسه این ترکیب ابزارها در بین مناطق و کشورهای مختلف (ون‌دن برگ، کاسترو، دروز و اگزاذاکتیلوس^۶، ۲۰۲۱)، پیچیدگی طراحی به‌دلیل نیاز به تحلیل‌های پیچیده و چندوجهی، چالش‌های اجرایی، وابستگی به داده‌ها به‌دلیل نیاز به داده‌های جامع و دقیق برای تحلیل

1. Hammer

*تعمیم‌پذیری عمومی و کلی به جای تمرکز بر جزئیات و نیازهای خاص مسائل

2. Bali, Howlett, Lewis & Ramesh

3. Laegreid

۴. ارائه راه‌کارهای دقیق‌تر و هدفمندتر در انتخاب و به‌کارگیری ابزارهای خطمشی با توجه به شرایط و نیازهای خاص هر مسئله.

5. One-Size-Fits-All

6. Van den Bergh, Castro, Drews & Exadaktylos

ماهیت	نسل اول دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰	نسل دوم دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	نسل سوم از اواخر دهه ۱۹۹۰
	متنوع با بحث‌های نظری ساده، استفاده از طیف محدودی از ابزارها، به‌کارگیری یک سبک اجرایی مشخص در بخش‌های مختلف و استفاده از آن سبک برای مدت طولانی (هاولت، ۲۰۰۵).	گاهی اوقات نادیده گرفته شدن کارایی ابزارها تحت تأثیر ملاحظات نهادی، کاهش تمرکز بر کارایی، مقاومت در برابر تغییر (ساباتیر، ۲۰۱۱).	و ارزیابی (هاولت و کاپانو، ۲۰۲۰).
مزایا	سادگی و وضوح، تأکید بر معیارهای ساده و قابل اندازه‌گیری، امکان مقایسه ابزار در میان مناطق و کشورهای مختلف، هزینه اجرا و نظارت کم (هود، ۱۹۸۳؛ سالمون، ۱۹۸۱).	اجتناب از رویکرد یک‌سایزه (لیندر و پیترز، ۱۹۸۹)، توجه به پیچیدگی‌های اجرایی، توجه به زمینه و محیط، تأکید بر نهادها، توجه به ذی‌نفعان (هاولت، ۱۹۹۱؛ سالمون، ۲۰۰۲).	اهمیت دادن به زمینه اجرای خطمشی‌گذاری (برسرز و اوتول، ۲۰۰۴)، کاهش ریسک‌های ناخواسته، گسترش دامنه ابزارهای در دسترس، آزمایش ترکیب ابزارهای جدید، منطقی کردن یا تثبیت ابزارهای قدیمی، به‌کارگیری آمیخته‌های بهینه ابزارها در زمینه‌های پیچیده تصمیم‌گیری و پیاده‌سازی، توجه به ترکیب ابزارها، انعطاف‌پذیری (هاولت و کاپانو، ۲۰۲۰).

معیارهای انتخاب ابزار در تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی

در نسل اول تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی اقتصاديون اعم از کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها در زمینه انتخاب ابزار فعالیت کرده‌اند (هاولت و همکاران، ۲۰۰۵). این پژوهشگران براین باورند که انتخاب ابزار امری فنی و تخصصی است و آن را تابع نوع و ماهیت مشکل و مقتضیات فنی و اجرایی آن دانسته و ابزارها را براساس شاخص‌های دقیق بررسی و انتخاب می‌کنند (هاولت و رامش، ۱۹۹۸). طرفداران اقتصاد رفاه دخالت‌های مستقیم دولت را برای اصلاح خطاهای بازار مجاز دانسته‌اند و ابزارهایی که این دخالت را ممکن می‌سازند، توصیه می‌کنند. نظریه‌های اقتصادی انتخاب ابزار در هر دو اقتصاد کلاسیک و کلاسیک جدید، بیش از حد قیاسی بوده و فاقد پایه‌های تجربی محکم در مطالعات تصمیم‌گیری دولت‌ها هستند. منطق آن نظریه‌ها از دیدگاه انتخاب ابزارهای خطمشی بر مفروضات نظری آن‌ها در مورد وظایفی استوار است که دولت‌ها انجام می‌دهند یا باید انجام بدهند و نه تحقیقات تجربی در مورد آنچه آن‌ها واقعاً در عمل انجام می‌دهند.

در نسل دوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی سیاسیون در زمینه انتخاب ابزار فعالیت کرده‌اند (هاولت و همکاران، ۲۰۰۵). سیاسیون معتقدند آنچه در انتخاب ابزار اجرا مهم است، سیاست‌های حاکم است. دولت‌ها براساس سیاست‌های خود اغلب مایل‌اند از شیوه‌هایی استفاده کنند که تنش کمتری ایجاد کنند و کمتر جنبه اجباری و قهری داشته باشند. البته این امر در تمامی دولت‌ها مصداق ندارد. سیاست‌های دولتی تابعی از دیدگاه سیاستمداران، محدودیت‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور بوده و فقط نظرهای گروهی خاص تعیین کننده نیستند (الوانی، ۱۳۸۷). به‌زعم آنان،

انتخاب ابزار اجرا با توجه به نیروهای سیاسی و فضای حمایتی موجود، صورت می‌گیرد و انتخاب ابزار اجرا را امری سیاسی و حاصل دادوستد میان نیروهای مؤثر در تصمیم‌گیری می‌دانستند.

در مقایسه با نسل‌های اول و دوم تئوری‌های انتخاب ابزار خطمشی، شناسایی معیارهای مناسب برای طراحی یک آمیخته ابزار خطمشی بهینه در این نسل، بسیار پیچیده‌تر است (هاولت، ۲۰۰۵) و با سه چالش اصلی روبه‌رو است: نخست، در برخی پژوهش‌ها، معیارهایی که برای انتخاب آمیخته ابزار خطمشی به کار می‌روند، همان معیارهایی هستند که برای انتخاب یک ابزار خطمشی منفرد استفاده می‌شوند؛ مانند اثربخشی، کارایی، عدالت یا امکان‌پذیری (دل‌ریو و همکاران^۱، ۲۰۱۲). با وجود این، برخی محققان مانند هاولت (۲۰۰۴) و فالکونا و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که برای طراحی یک آمیخته ابزار خطمشی، این معیارها باید توسعه یابند و معیارهای دیگری مانند تعامل و ارتباط بین ابزارهای مختلف نیز در نظر گرفته شوند.

دوم، بسیاری از مطالعات در زمینه ترکیب ابزارهای خطمشی، معیارهای معیارها را به صورت مبهم و بدون تعریف دقیق بیان کرده‌اند. سوم، به دلیل نبود یک تعریف مشترک و مورد توافق از آمیخته ابزار خطمشی، در برخی پژوهش‌ها تمایزی بین معیارهای طراحی و ارزیابی این آمیخته‌ها وجود ندارد و این معیارها در هم تنیده شده‌اند. در ادامه، با در نظر گرفتن این چالش‌ها، نتایج بررسی‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران در زمینه معیارهای طراحی و ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی در حوزه‌های مختلف خطمشی‌گذاری، در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج پژوهش‌های انجام شده درخصوص معیارهای طراحی و ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی

ردیف	معیارهای ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی عمومی	زمینه فعالیت/ حوزه مطالعاتی	پژوهش گر، سال مطالعه
۱	عدالت توزیعی، انصاف، امکان‌پذیری سیاسی و اجرایی، انسجام	محیط زیست	گاول، ۱۹۹۱
۲	کارایی، اثربخشی و مقبولیت اجتماعی	حمل و نقل	ترنر و اوپسکور ^۲ ، ۱۹۹۴
۳	اقدام احتیاطی ^۳ ، عدالت، بازده اقتصادی، پویایی، امکان‌پذیری اجرایی، مقبولیت اجتماعی و سیاسی	محیط زیست	گانینگهام و یانگ، ۱۹۹۷
۴	کارایی - اثربخشی	محیط زیست	گانینگهام و همکاران، ۱۹۹۸
۵	کارایی، اثربخشی، دموکراسی (میزان مشارکت مردمی) و مقبولیت	حمل و نقل	بلمانز ویدک (۱۹۹۸)
۶	اثربخشی، کارایی، عدالت توزیعی، امکان‌پذیری اجرایی، مقبولیت سیاسی و سازگاری و انسجام	صنایع شیمیاییو بخش کشاورزی	گانینگهام و سینکلر ^۴ ، ۱۹۹۸

1. Del Rio et al.

2. Turner & Opschoor

3. Precaution

4. Gunningham & Sinclair

ردیف	معیارهای ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی عمومی	زمینه فعالیت/ حوزه مطالعاتی	پژوهش گر، سال مطالعه
۸	تأثیرات اقتصادی و زیست‌محیطی، عدالت، مقبولیت، امکان‌پذیری اجرایی	زیست بوم واکو سیستم	سیبرت ^۱ ، ۲۰۰۵
۹	تأثیرات حفاظت از زیست بوم، بازده اقتصادی (هزینه - فایده و معیار مقرون به صرفه بودن)، آثار اجتماعی (عدالت)، مقبولیت سیاسی، تأثیرهای نهادی	حفاظت از تنوع زیستی	رینگ و شروتز اشلاک، ۲۰۱۱
۱۰	منسجم، کارایی، سازگاری	بخش انرژی-برق	اشمیت، اشنایدر و هافمن ^۲ ، ۲۰۱۲
۱۱	اثربخشی، کارایی، مقبولیت	حمل و نقل	جاستین و همکاران ^۳ ، ۲۰۱۴
۱۲	سازگاری و انسجام	انرژی	کرن و همکاران، ۲۰۱۷
۱۳	اثربخشی، کارایی، عدالت، قابلیت اجرا	کشاورزی	پیرا و همکاران، ۲۰۱۸
۱۴	اثربخشی، کارایی، عدالت، امکان‌پذیری اجرایی	حمل و نقل	لی و همکاران، ۲۰۱۸
۱۵	تعداد به صرفه ابزار، پوشش همه‌جوانب مشکل، کامل بودن (میزان اجبار و تأثیرگذاری ابزارها بر رفتار افراد یا سازمان‌ها)	محیط زیست	گلاس، ۲۰۲۰
۱۶	ظرفیت‌های نهادی، هماهنگی بین نهادهای سازگاری و انسجام	انرژی	مخرجی ^۴ ، ۲۰۲۱
۱۷	انسجام، جامعیت، تعادل	بهداشت و درمان	ژنگ و همکاران ^۵ ، ۲۰۲۲
۱۸	پیش‌بینی شرایط احتمالی ^۶ ، تکمیل‌کنندگی ابزارها ^۷ ، شفافیت ^۸ ، بازگشت‌پذیری ^۹ ، انتقال ^{۱۰} ، استحکام ^{۱۱} ، تاب‌آوری ^{۱۲} ، هزینه‌ها و پیچیدگی‌های اجرایی، کامل بودن ^{۱۴}	کلی	کوبان و بالی ^{۱۳} ، ۲۰۲۳

1. Siebert
2. Schmidt, Schneider & Hoffmann
3. Justen et al.
4. Mukherjee
5. Zhang & et al.
6. Coban & Bali
7. Contingencies
8. Complementarity
9. Explicitency
10. Reversibility
11. Transition
12. Robustness
13. Resilience
14. Completeness

براساس مرور ادبیات و معیارهای شناسایی شده به چند نکته باید اشاره کرد. نخست آنکه، اهمیت این معیارها بستگی به زمینه و بافت مورد استفاده دارد: برای مثال، معیار کارایی در شرایطی که با محدودیت بودجه‌ای روبه‌رو هستیم، مهم خواهد بود؛ اما زمانی که صرفه‌جویی اهمیت نداشته باشد، این معیار کمتر شایان توجه خواهد بود (هاولت، ۲۰۰۴). نکته دوم، هیچ ابزار واحدی وجود ندارد که همه معیارها را در حد بالایی داشته باشد (گانینگهام و همکاران، ۱۹۹۸)؛ بنابراین، آمیخته ابزار خطمشی تا حد زیادی می‌تواند این نقص را برطرف سازد و به اذعان تحقیقات مختلف اجرای موفق خطمشی را در پی خواهد داشت (وروچ، بوش و ون‌دن برینک^۱، ۲۰۲۱). نکته سوم، این مطالعات صرفاً به نشان دادن معیارهای طراحی و ارزیابی آمیخته‌های ابزارهای خطمشی پرداخته‌اند و دسته‌بندی جامع و نظام‌مند برای انتخاب و طراحی آمیخته ابزار خطمشی ارائه نداده‌اند و اغلب این تحقیقات تنها به بخش‌های کوچکی از موضوع پرداخته‌اند. در این مقاله تلاش شده است که چارچوبی از معیارهای مختلف را ارائه دهد. این اقدام منجر خواهد شد تا دید کلی نسبت به عوامل دخیل در انتخاب و ترکیب ابزارهای مختلف خطمشی به‌دست آید و به‌طور شفاف‌تر ابزارها را از زوایای مختلف بررسی کرده و سپس آن‌ها را انتخاب و ترکیب کنند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی است که با استفاده از فراترکیب اجرا شده است. فراترکیب روشی است که با استفاده از آن یافته‌های پراکنده مطالعات پیشین، در راستای ارائه چارچوب مفهومی جدید با یکدیگر تلفیق می‌شوند. جامعه آماری در این پژوهش مطالعات پژوهشی قبلی است که پس از جست‌وجو و یافتن منابع موجود، از طریق بررسی و ارزیابی عنوان، چکیده و محتوای منابع یافت شده، منابع مناسب به‌عنوان نمونه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. به‌علاوه برای تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها و گزارش نتیجه نهایی این پژوهش از روش تحلیل تم استفاده شده است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (بران و کلارک^۲، ۲۰۰۶). برای گردآوری و شناسایی تم مرتبط با آمیخته ابزار خطمشی نخست مبانی نظری بررسی شده و سپس تم مرتبط، استخراج و کدگذاری شده است. در نهایت دسته‌بندی‌هایی مفهومی از معیارهای طراحی آمیخته ابزار خطمشی براساس نظرهای خبرگان شکل گرفت.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای دستیابی به ادبیات پژوهشی محققان به دو روش اقدام کردند: روش اول: جست‌وجوی مقاله‌های معتبر از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی بود. مقاله‌ها و پژوهش‌های منتشرشده در مجله‌های علمی امرالد، الزایور و تیلور و با جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعات علمی اسکوپوس، ریسیرچ گیت و جی استور تهیه شده است. با هدف دستیابی به مطالعات مرتبط، محقق دالود مقاله‌ها را آغاز کرد. معادل فارسی ۱۴ واژه کلیدی که برای این جست‌وجو استفاده شدند، عبارت‌اند از:

1. Verweij, Busscher & van den Brink
2. Braun & Clarke

آمیخته ابزار خطمشی، آمیخته خطمشی، مداخله‌های عملکردی، سبد خطمشی^۲، ترکیب خطمشی^۳، بسته خطمشی^۴، ابزار دولت^۵، ابزار حکمرانی^۶، وسیله خطمشی^۷، ابزارهای آمیخته خطمشی^۸، سبد ابزارها^۹، بسته ابزارها^{۱۰}، ترکیب ابزارها^{۱۱}.
روش دوم: نمونه‌گیری گلوله برفی بود که به دنبال منابعی بودیم که فقط شروع خوبی برای کار ما باشد، از آنجا فهرست مرجع همه منابع شناسایی شده را بررسی کردیم تا زمانی که مقالات مناسب دیگری پیدا نکردیم.

برای انتخاب این مقاله‌ها، تک‌تک آن‌ها داناود و بررسی شدند و بر اساس معیارهایی نظیر کیفیت مجله و انتشارات، مشابهت با هدف و سؤال پژوهش و توجه به معیارها و عوامل ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی، یا دارا بودن رهنمودهای مستقیم یا ضمنی برای خطمشی‌گذاران در استفاده از آمیخته ابزار خطمشی به منظور دستیابی به اهداف خطمشی، انتخاب شدند. بقیه مقاله‌ها بدین دلایل حذف شدند: عدم پرداختن به مفهوم آمیخته ابزار خطمشی، استفاده از عبارت آمیخته ابزار بدون در نظر گرفتن مفهوم علمی و نپرداختن به آن، کیفیت پایین مجله یا انتشارات، اشاره به آمیخته ابزار بدون تحلیل، ارزیابی یا بحث درباره آن، مطرح کردن معیارهای آمیخته خطمشی، اشاره به معیارهای تک ابزاری بر پایه نسل‌های اول و دوم بدون طرح موضوع آمیخته ابزار خطمشی، گزارش‌های تحقیقی نامعتبر و جهت‌دار و مقالاتی که مبنای روشنی برای ادعاهای خود ارائه نکرده بودند.

شایان ذکر است که از بین ۷۰ مقاله، تنها ۱۸ مقاله به معیارها و عوامل ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی توجه کرده بودند. این جست‌وجو بدون محدودیت زمانی انجام شد؛ به عبارت دیگر، بدون انتخاب مرز زمانی خاص برای انتشار مقاله‌ها، به تمام مقاله‌ها از سالی که در پایگاه علمی مربوط موجود بودند تا ژانویه ۲۰۲۵ (مرحله گردآوری و تحلیل اطلاعات این پژوهش) توجه شد. جدول ۳ نشان‌دهنده ۱۸ مقاله نهایی است که در مطالعه ما تحلیل شد و نشان می‌دهد که تحقیقات در مورد آمیخته ابزار خطمشی کم نبوده است. ما مجموعه متنوعی از نشریه‌ها را یافتیم و افزایش اخیر در انتشارات از سال ۲۰۱۶ به بعد را مشاهده کردیم که نشان‌دهنده اهمیت فزاینده آمیخته ابزار خطمشی است.

تحلیل اطلاعات

پس از انتخاب مقاله‌های مرتبط، گام بعدی بررسی این ۱۸ مقاله و استخراج تم‌های موجود در آن‌هاست. به منظور استخراج تم از این مقاله‌ها، نتایج، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و رهنمودهای هر مقاله به صورت جداگانه بررسی شد. هریک از این مقاله‌ها، جزء مأخذ دست‌اولی بودند که در زمینه آمیخته ابزار خطمشی و سهم یاری آن در زمینه‌های

1. Intervention
2. Policy portfolios
3. Bundle policy
4. Package policy
5. Toole of government
6. Tool of governance
7. Policy means
8. Instruments mix
9. Portfolios of instruments
10. Package of instruments
11. Combination of instruments

مختلف خطمشی‌گذاری و برای دستیابی به اهداف متنوع، انجام شده و به انتشار رسیده بودند. به عبارت دیگر، وجه مشترک تمام این ۱۸ مقاله آن است که همه آن‌ها در زمینه معیارهای طراحی و ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی بحث کرده‌اند.

برای استخراج تم‌های این مقاله‌ها، وجود معیاری مشخص ضروری بود. با این هدف، جمله ناکاملی در نظر گرفته شد که مکمل آن، عبارتی بودند که از این مقاله‌های منتخب استخراج می‌شدند. این جمله ناکامل که به منظور استخراج تم‌ها به‌طور جداگانه در هر مقاله به کار گرفته شد، بدین گونه بود: «معیارهای طراحی یا ارزیابی آمیخته ابزار خطمشی ... هستند». جای خالی در این جمله ناقص، با عبارات مستخرج از مقاله‌های منتخب پر می‌شد. هر عبارتی که در این جای خالی قرار می‌گرفت، درواقع، دربرگیرنده تمی بود که به معیارها در جنبه‌های خطمشی‌گذاری اشاره می‌کرد. بخشی از این عبارات و تم‌های حاوی آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود. در این جدول، تم‌های مستخرج از هر مقاله، به تفکیک و براساس سال انتشار آن مرتب و نشان داده شده‌اند.

جدول ۴. عوامل استخراج شده از مقاله‌های منتخب

کد مقاله	نام دانشمند سال مطالعه	معیار	کد
CA	گول، ۱۹۹۱	عدالت توزیعی	CA۱
		امکان‌پذیری سیاسی	CA۲
		امکان‌پذیری اجرایی	CA۳
		انسجام	CA۴
		انصاف	CA۵
CB	سیرت، ۲۰۰۵	تأثیرهای اقتصادی	CB۱
		تأثیرهای زیست‌محیطی	CB۲
		مقبولیت	CB۳
		امکان‌پذیری اجرایی	CB۴
		عدالت	CB۵
CC	ترنر و اوپسکور، ۱۹۹۴	کارایی	CC۱
		اثر بخشی	CC۲
		مقبولیت	CC۳

یافته‌های پژوهش

جدول ۴ بخشی از نتیجه مرور تمام ۱۸ مقاله منتخبی است که تم‌های مستخرج در آن، معیارهای انتخاب آمیخته ابزار خطمشی در زمینه‌های مختلف خطمشی‌گذاری نشان می‌دهد. این کار، به استخراج ۷۲ تم منتهی شد که ۱۳ مورد از آن‌ها برای نمونه در جدول ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که انتظار می‌رود، در میان این تم‌ها، تم‌های مشابه وجود دارد؛ بنابراین، برای دسته‌بندی و کشف الگو و طرح موجود در این تم‌ها، کدگذاری آن‌ها ضروری بود. پس از کدگذاری

هریک از تم‌های مستخرج که در جدول مذکور نشان داده شده است، این تم‌ها به همراه کد مخصوص، روی کارت نوشته شدند تا با توجه به تعداد زیاد تم‌های استخراجی، بتوان راحت‌تر به دسته‌بندی آن‌ها پرداخت. بنابراین، آن‌هایی که به مفهوم یکسانی (۳۳ مورد) اشاره می‌کردند، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و ۶ مضمون کشف شد. همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقاله‌هایی که در حوزه مطالعاتی یا رشته خاصی انجام شده بودند، در یک دسته و طبقه قرار گرفته‌اند. حاصل طبقه‌بندی مقاله‌های منتخب در مجموع، به استخراج ۷ طبقه انجامید. از طریق این کار مشخص شد که در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۲۵ به در کدام حوزه‌ها به آمیخته ابزار خطمشی توجه شده و سهم هر حوزه مطالعاتی از ۱۸ مقاله منتخب چه تعداد است. حوزه‌های مطالعاتی خطمشی‌های محیطی و حمل‌ونقل بیشترین توجه را به آمیخته ابزار خطمشی داشته‌اند.

جدول ۵. حوزه‌های مطالعاتی آمیخته ابزار خطمشی عمومی در ادبیات

تعداد مقالات	حوزه مطالعاتی
۵	محیط زیست (زیست بوم، اکوسیستم، تنوع زیستی)
۴	حمل‌ونقل
۳	بخش انرژی و برق
۱	صنایع شیمیایی
۲	کشاورزی
۱	بهداشت
۱	کلی
۱۸	مجموع

در جدول ۵، سهم زمینه‌های مطالعاتی و فعالیتی ۱۸ مقاله منتخب مشخص شده است. ذکر این نکته ضروری است که در بین مقاله‌ها و موضوع بحث‌انگیزی که به آن توجه کرده بودند، مقاله کوبان و بالی (۲۰۲۳) بود که به حوزه مطالعاتی خاصی تعلق نداشت و همه زمینه‌های تحقیقاتی را دربرمی‌گرفت. در نهایت مطابق جدول ۶، تعداد ۳۳ معیار مشترک استفاده شده در ارزیابی و طراحی آمیخته ابزار خطمشی با توجه به پژوهش‌های موجود ارائه شده است. بیشترین تکرار عوامل به ترتیب کارایی، اثربخشی، امکان‌پذیری اجرایی، عدالت، سازگاری و انسجام بودند.

گام بعدی پس از شناسایی عوامل، طراحی آن‌ها در قالب مدل است. در این تحقیق، مطابق رساله دکتری کوپر کریستی (۲۰۱۴)، اقدام به کدگذاری عوامل شده است. بدین منظور، پس از شناسایی و نهایی شدن ۳۳ عامل مؤثر بر انتخاب آمیخته ابزار خطمشی، محقق اقدام به کدگذاری داده‌ها از طریق روش تحلیل تم کرد. عوامل بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شده و در نهایت، بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر یک از مقولات و طی فرایندی سلسله‌مراتبی، تم‌های مرتبط و سپس تم‌های اصلی و در نهایت تم مرکزی شناسایی شده‌اند. علاوه‌براین، رهنمودهای گروهی از صاحب‌نظران در این خصوص لحاظ شده است. بر این اساس، چارچوب نهایی تحقیق در شکل ۳

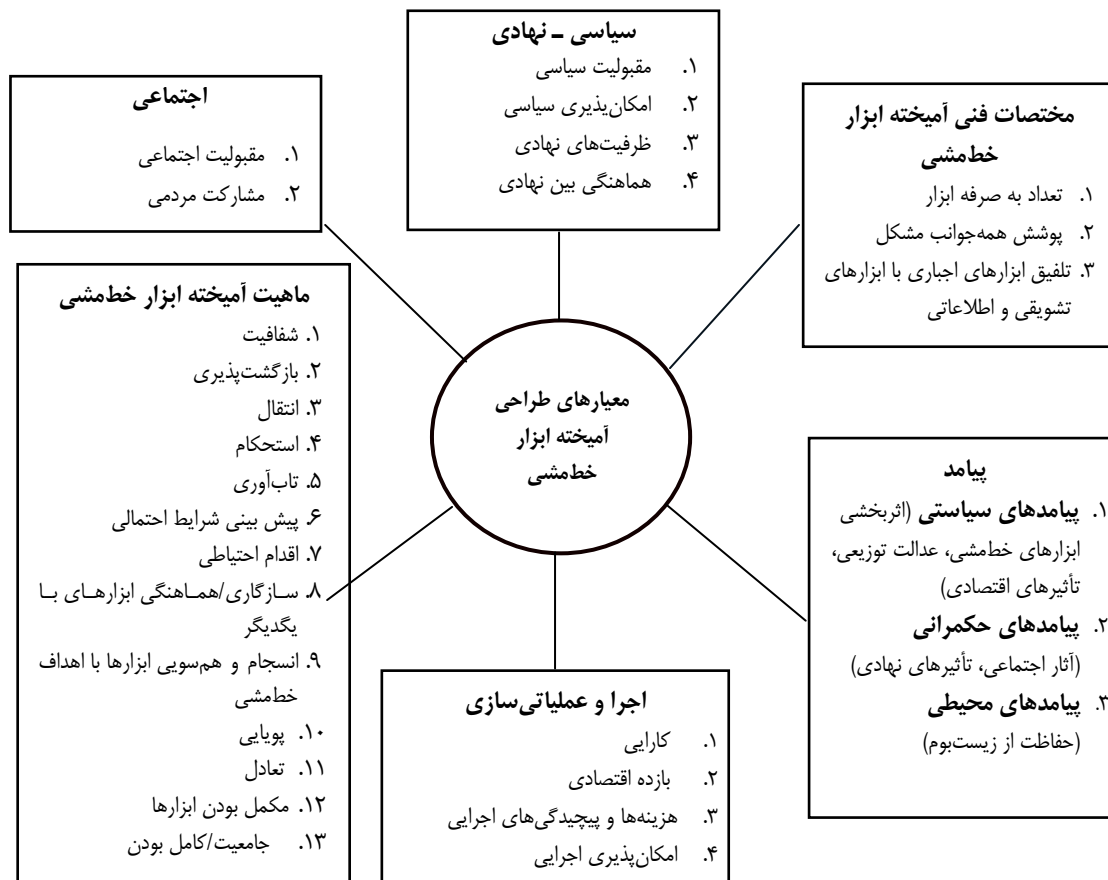
نشان داده شده است. چارچوب این تحقیق بر اساس رویکرد خانم استروم^۱ (۱۹۹۰، ۲۰۰۹) در تحلیل مشکلات مربوط به انتخاب نهادها بنا شده است. استروم معتقد است که به دلیل وجود متغیرهای پیچیده و گوناگون در تحلیل انتخاب نهادها، باید از یک «چارچوب» استفاده کرد، نه یک مدل ساده. همین مسئله در مورد انتخاب ابزارها و طراحی ترکیب ابزارهای سیاستی نیز صدق می‌کند؛ زیرا این فرایند تحت تأثیر عوامل پیچیده‌ای مانند شرایط محلی، مسائل سیاسی و فرهنگ جامعه قرار دارد (سینکلر و گانینگهام^۲، ۱۹۹۹).

جدول ۶. معیارهای استخراجی آمیخته ابزار خط‌مشی عمومی با توجه به پژوهش‌های موجود

ردیف	معیار	ردیف	معیار
۱	تعامل و همکاری بین نهادها	۱۷	اثربخشی
۲	شفافیت (وضوح و روشنی ابزارها)	۱۸	مقبولیت اجتماعی
۳	تأثیرهای اقتصادی	۱۹	مقبولیت سیاسی
۴	تعداد مقرر به صرفه ابزار در ترکیب	۲۰	پویایی
۵	پیش‌بینی شرایط احتمالی	۲۱	عدالت توزیعی
۶	اقدام احتیاطی (توانایی در پیش‌بینی و پاسخ به شرایط غیرمنتظره یا تغییرات محیطی)	۲۲	مشارکت مردمی
۷	تکمیل‌کنندگی (توانایی ابزارها در تقویت یکدیگر و جبران نقاط ضعف هر یک)	۲۳	انسجام
۸	بازگشت‌پذیری (تعدیل یا بازنگری در آینده)	۲۴	سازگاری
۹	انتقال یا حرکت از حالت موجود به حالت مطلوب	۲۵	امکان‌پذیری سیاسی
۱۰	استحکام و مقاومت در برابر شوک‌ها و حفظ عملکرد خود	۲۶	تعادل
۱۱	تاب‌آوری (در صورت تغییر شرایط، امکان تعدیل و اصلاح ترکیب ابزارها)	۲۷	ظرفیت نهادی
۱۲	هزینه‌ها و پیچیدگی‌های اجرایی	۲۸	تأثیرات زیست‌محیطی
۱۳	کامل بودن/جامعیت (شامل هر دو نوع ابزارها و تعادل بین ابزارهای اساسی و فرایندی)	۲۹	کارایی
۱۴	پوشش همه‌جانبه مشکل	۳۰	بازده اقتصادی
۱۵	میزان اجبار و تأثیرگذاری ابزارها بر رفتار افراد یا سازمان‌ها (کاربست ابزارهای اجباری در کنار ابزارهای تشویقی یا مشارکتی جهت تأثیرگذاری بهتر)	۳۱	تأثیرهای (ابعاد) نهادی
۱۶	امکان‌پذیری اجرایی	۳۲	تأثیرهای اجتماعی

1. Ostrom

2. Sinclair & Gunningham



شکل ۳. چارچوب نهایی تحقیق

در خصوص پیامدهای ترکیب ابزارهای خطمشی که در سه سطح قابل ارزیابی است، توضیحات مختصری ارائه می شود:

الف) پیامدهای سیاستی

۱. اثربخشی ابزارهای خطمشی: میزان تحقق اهداف کمی و کیفی سیاست (بر اساس شاخص های از پیش تعیین شده) در بازه زمانی مشخص. شاخص های سنجش این پیامد را می توان نرخ تحقق اهداف، ضریب کارایی یا شاخص رضایت ذی نفعان دانست (هاولت، ۲۰۲۳).
۲. عدالت توزیعی: توزیع عادلانه منافع و هزینه های سیاست بین گروه های اجتماعی مختلف است که از طریق ضریب جینی توزیع منافع، شاخص محرومیت نسبی، معیار دسترسی عادلانه محاسبه می شود (اینگرام و اشنايدر^۱، ۲۰۰۵).
۳. تأثیرهای اقتصادی: تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی ناشی از اجرای ترکیب ابزارهاست که از طریق نرخ بازده اجتماعی سرمایه گذاری^۲، تحلیل هزینه - فایده^۳، شاخص بهره وری سیاست^۴ محاسبه می شود (هاولت، ۲۰۱۱).

1. Ingram & Schneider

2. SROI

3. CBA

4. Policy Productivity Index

ب) پیامدهای حکمرانی

۱. آثار اجتماعی: تغییر در روابط و ساختارهای اجتماعی ذی‌نفعان است که از طریق شاخص انسجام اجتماعی^۱، نرخ مشارکت مدنی^۲ و شاخص اعتماد عمومی^۳ قابل محاسبه است (سالامون، ۲۰۰۲).
۲. تأثیرهای نهادی: تغییر در کارکرد و روابط نهادهای مرتبط است که با شاخص تاب‌آوری نهادی^۴، ضریب هماهنگی بین‌سازمانی^۵ و شاخص ظرفیت نهادی^۶ محاسبه می‌شود (سالامون، ۲۰۰۲).

ج) پیامدهای محیطی

۱. حفاظت از زیست‌بوم: کاهش اثرهای منفی سیاست بر محیط زیست است که از طریق شاخص پایداری محیطی^۷، ردپای اکولوژیک^۸، شاخص کیفیت زیست‌بوم^۹ محاسبه می‌شود (حسین‌پور، الوانی، اصلی‌پور و قربانی پاچی، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

فرایند شکل‌دهی به خطمشی در واقع به معنای انتخاب از میان انواع ابزارهایی است که می‌توانند برای مواجهه با مسائل خطمشی خاص به کار گرفته شوند. باید توجه داشت که انتخاب ابزار به عوامل متعددی بستگی دارد و به همین دلیل، موضوع ابزار خطمشی پیچیده است و شامل دامنه وسیعی از انتخاب‌ها و ترکیب ابزارها برای دستیابی به گزینه‌های بالقوه خطمشی است.

اگر انتخاب ابزارها بر اساس نظریه‌های عمیق و روش‌های علمی و معتبر انجام شود، می‌توان خطمشی‌هایی طراحی کرد که به کاهش تبعیض و بی‌عدالتی، انطباق خطمشی‌ها با نیازهای اجتماعی، اصلاح ساختار سازمانی و کاهش تمرکز در تصمیم‌گیری، بهینه‌سازی استفاده از ظرفیت‌ها و منابع و موارد مشابه منجر شود.

هدف این مقاله، تبیین مفهوم آمیخته ابزار خطمشی عمومی و شناسایی معیارهای طراحی و ارزیابی آن‌ها بود. در این راستا، تحولات نظری مرتبط با این موضوع تشریح شد. برای این منظور، کتب و مقالات منتشر شده در این زمینه در پایگاه داده معتبر ISI تا سال ۲۰۲۵ مورد بررسی قرار گرفت.

در سال‌های اخیر، مطالعات مربوط به ابزارهای اجرای خطمشی پیشرفت چشمگیری داشته و اکنون به شکل قابل توجهی به تدوین و طراحی خطمشی‌ها کمک می‌کنند (هود، ۲۰۰۷). خطمشی‌هایی که تدوین شده‌اند، اما به‌خوبی اجرا نمی‌شوند، بی‌فایده و مضر هستند و می‌توانند آسیب‌های زیادی به کشور وارد کنند. یکی از موانع اصلی عدم اجرای موفق خطمشی‌های عمومی، انتخاب و پیش‌بینی نادرست ابزارهای اجرایی است. بنابراین، تصمیم‌گیری در خصوص معیارهای

-
1. Social Cohesion Index
 2. Civic Engagement Rate
 3. Public Trust Indicator
 4. Institutional Resilience Index
 5. Inter-agency Coordination Coefficient
 6. Institutional Capacity Index
 7. Environmental Sustainability Index
 8. Ecological Footprint
 9. Ecosystem Quality Index

انتخاب ابزار یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در خطمشی‌گذاری عمومی است، به‌ویژه در دوره‌ای که اهداف خطمشی چندوجهی بوده و بخش‌ها و سطوح مختلفی درگیر آن هستند. بررسی‌های دقیقی در این زمینه ضروری است تا با انتخاب ابزارهای مناسب، موفقیت در اجرا تضمین شود.

یافته‌های مرور ادبیات در بخش پیشین نشان می‌دهد که رویکرد آمیخته ابزار خطمشی عمومی طی چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته و مطالعات متعددی در جهان در این زمینه، به‌ویژه در خصوص عوامل مؤثر بر انتخاب ابزارها، در حوزه‌های مختلف انجام شده است که اهمیت این موضوع را تأیید می‌کند. آمیخته ابزار خطمشی عمومی در فعالیت‌های مختلف و برای دستیابی به اهداف متنوعی به کار می‌رود. نتایج نشان می‌دهد که سه نوع تئوری انتخاب ابزار در ادبیات موجود است که معیارهای ارزیابی نسل‌های اول و دوم بر تک ابزاری تأکید داشتند، در حالی که معیارهای ارزیابی نسل سوم متفاوت از آن‌هاست. این تحقیقات نشان داده‌اند که توجه به عوامل بیرونی برای انتخاب ابزارها می‌تواند گمراه‌کننده باشد و باید به عوامل درونی و روابط بین ابزارها توجه بیشتری شود. اگرچه آمیخته ابزار خطمشی عمومی مزایای متعددی دارد، اما تأکید اصلی بر زمینه‌محور بودن این رویکرد است (ویلتس و اوبراین^۱، ۲۰۱۹). بنابراین، در هر حوزه خطمشی‌گذاری که قصد استفاده از رویکرد آمیخته ابزار خطمشی عمومی وجود دارد، باید بر عواملی تأکید شود که از تلفیق عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر آمیخته ابزار خطمشی عمومی شکل گرفته‌اند. همچنین، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که هنوز اجماع نظری در خصوص مفهوم آمیخته ابزار خطمشی عمومی و معیارهای طراحی آن در ادبیات بین محققان این حوزه وجود ندارد.

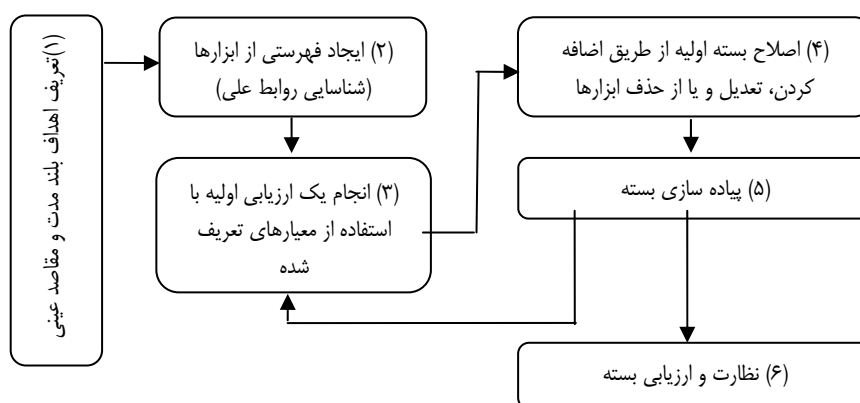
در نهایت، معیارهای تأثیرهای نهادی، تعامل و همکاری بین نهادها، شفافیت، تأثیرهای اقتصادی، بازده اقتصادی، پیش‌بینی شرایط احتمالی، اقدام احتیاطی، تکمیل‌کنندگی، بازگشت‌پذیری، انتقال، استحکام، تاب‌آوری، هزینه‌ها و پیچیدگی‌های اجرایی، امکان‌پذیری اجرایی، کامل بودن/جامعیت، پوشش همه‌جانبه مشکل، میزان اجبار و تأثیرگذاری ابزارها بر رفتار افراد یا سازمان‌ها، تأثیرات زیست‌محیطی، کارایی، اثربخشی، مقبولیت اجتماعی، مقبولیت سیاسی، پویایی، عدالت توزیعی، مشارکت مردمی، انسجام، سازگاری، ظرفیت نهادی، امکان‌پذیری سیاسی، انصاف/برابری، تعداد مقرر به صرفه ابزار در ترکیب و تعادل به‌عنوان معیارهای طراحی آمیخته ابزار خطمشی مشخص شده‌اند.

با مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌های مشابه و مبانی نظری موضوع، مشخص شد که در این مطالعات، چارچوبی جامع و نظام‌مند برای انتخاب و طراحی آمیخته ابزارهای خطمشی عمومی ارائه نشده است و اغلب این پژوهش‌ها تنها به بخش‌های کوچکی از موضوع پرداخته‌اند. بنابراین، این پژوهش از نظر جامعیت بالایی برخوردار است. باید توجه داشت که شناخت انواع ابزارهای اجرای خطمشی و تعیین معیارها یا ضوابط جهت ارزیابی مزایا و معایب استفاده از آن‌ها برای متخصصان خطمشی‌گذاری بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا این اقدامات دانش مورد نیاز را برای شناخت و درک نحوه طراحی خطمشی‌ها و به تبع آن خلق خطمشی‌های جدید و همچنین ارزیابی و بهبود خطمشی‌های موجود فراهم می‌آورد.

پیشنهادهای و رهنمودهای ضمنی برای نظریه و عمل برای خطمشی‌گذاران و تحقیقات آینده

مرور ادبیات نشان می‌دهد از چهل سال پیش که دانش‌پژوهان انتخاب ابزار به ماهیت و منطق سنتی انتخاب ابزار تاختند، نظریه‌ها و نگاه‌های نظری جدیدی برای انتخاب ابزار معرفی شد. صاحب‌نظرانی همچون گانینگهام و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند که روش سنتی انتخاب ابزار بسیار ساده انگارانه است. از این رو در تبیین انتخاب ابزار نمی‌توان به آن اتکا کرد. پژوهشگران می‌توانند از دیدگاه‌های نظری آمیخته ابزار خطمشی عمومی برای تبیین انتخاب ابزار استفاده کنند. برای اینکه میزان استفاده از دیدگاه نوظهور انتخاب ابزار در ایران جهت بهبود نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری در کشور فزونی یابد، به دانش‌پژوهان برخی توصیه‌ها ارائه می‌شود:

بهره‌مندی از مدل‌های فرایندی انتخاب ترکیب ابزار خطمشی: بعضی از پژوهشگران، مدل‌های راهنمایی برای کمک به خطمشی‌گذاران برای طراحی آمیخته ابزار خطمشی پیشنهاد کرده‌اند؛ برای مثال، گانینگهام و همکارانش (۱۹۹۸) اصولی را برای طراحی آمیخته ابزار خطمشی عمومی در حوزه محیط زیست ارائه داده‌اند که این اصول می‌تواند توسط طراحان خطمشی در سایر حوزه‌ها به کار گرفته شود (گانینگام و همکاران، ۱۹۹۸). این اصول عبارت‌اند از: ۱. تهیه فهرستی از ابزارهای در دسترس؛ ۲. انتخاب ابزارها با توجه به تعاملات مثبت بین آن‌ها و با توجه به بافت خاص خطمشی؛ ۳. اولویت دادن به اقدامات مداخله‌ای کمتر؛ ۴. به کارگیری ابزارهای انگیزشی و اطلاعاتی؛ ۵. افزایش تدریجی رو به بالا به سمت ابزارهای اجباری؛ ۶. به حدکثر رساندن فرصت برد - برد برای هر دو دولت و ذی‌نفعان). فرایند طراحی آمیخته ابزار خطمشی در زمینه خطمشی‌های حمل و نقل توسط جیوونی و همکاران (۲۰۱۳) که در شکل ۴ نشان داده شده است، راهنمای دیگری برای استفاده از آن در حوزه‌های مختلف خطمشی‌گذاری است. براساس این فرایند، خطمشی‌گذاران برای طراحی آمیخته ابزار خط مشی عمومی‌ها با ۶ گام روبه‌رو هستند.



شکل ۴. چارچوب اکتشافی برای آمیخته ابزار خطمشی عمومی

جیوونی و همکاران (۲۰۱۳)

خطمشی‌گذاران می‌توانند از این فرایند طراحی در زمینه‌های مختلف خطمشی‌گذاری استفاده کنند تا سریع‌تر و با کیفیت بهتر به اهداف موردنظر خود دست یابند.

توجه به روابط بین ابزارها: باتوجه به اینکه در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای از ترکیب ابزارهای خطمشی متعدد استفاده می‌کنند؛ اما دستیابی به تعاملات مطلوب بین ابزارها یک عامل تعیین‌کننده حیاتی برای موفقیت بالقوه طرح خطمشی است، توانایی طراحی روابط سودمند بین ابزارهای فردی برای تکمیل عملکرد کلی یا نتایج کل ترکیب باید مدنظر قرار گیرد.

توجه به ویژگی‌های بستر و مخاطبان: در انتخاب آمیخته ابزار خطمشی، باید به ویژگی‌های خاص هر بستر و نیازهای مخاطبان توجه شود. این امر به‌دلیل نبود مدل بهینه‌ای که در همه بسترها قابل استفاده باشد، اهمیت دارد.

عدول از به‌کارگیری یک ابزار برای حل مسائل و مشکلات: نهادهای تصمیم‌گیر باید از نگاه ابزار واحد به‌سمت طراحی پیوست ابزاری برای سیاست‌ها و برنامه‌ها حرکت کنند. این اصلاح می‌تواند به ارتقای مشارکت‌های مردمی و هوشمند سازی ابزارها کمک کند.

توجه به حفظ سوابق عملکردی: با توجه به اینکه در ساختار تصمیم‌گیری رویکردی برای حفظ سوابق عملکردی آمیخته ابزار و یادگیری سیاستی برای استفاده از تجربه‌های گذشته و یادگیری از ترکیب آمیخته ابزارهای خطمشی قبلی وجود ندارد، به‌کارگیری فناوری جدید بلاکچین جهت حفظ این سوابق عملکردی مفید خواهد بود.

توسعه ترکیب‌های ابزارهای خطمشی نوآورانه یا استفاده از ابزارهای هوشمند در جعبه ابزار خطمشی نظام حکمرانی کشور: تحولات اخیر در جامعه و فناوری، امکان استفاده از ابزارهای جدید یا قبلاً کم استفاده شده مانند ابزارهای دیجیتال (استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی)، تولید مشترک^۱، ابزارها رفتاری (به‌ویژه موضوع تلنگرها (نودج))^۲، مترهای هوشمند^۳ (به‌عنوان ابزارهایی برای تغییر رفتار مصرف انرژی توسط شرکت‌ها انرژی) و همچنین تکنیک‌های مبتنی بر داده‌ها، مانند داده‌های بزرگ و هوش مصنوعی (به‌عنوان ابزارهایی برای شناسایی ناهنجاری‌ها در زمینه شناسایی فرارهای مالیاتی) را به‌منصه ظهور رسانده است. آن‌ها زمانی با هم ترکیب می‌شوند که برای مثال، داده‌های جدید (رسانه‌های اجتماعی) برای بهبود داده‌های عمومی که برای ارائه خدمات استفاده می‌شود، به‌کار گرفته شوند. با استفاده از این ابزارها، تشخیص مشکلات به‌صورت به‌روز و دقیق انجام می‌شود و رویکردی فعال در شناسایی مشکلات و ارائه راه‌کارها وجود دارد.

طراحی آمیخته ابزار خطمشی انعطاف‌پذیر و تاب‌آور: ترکیب ابزارهای خطمشی باید به‌گونه‌ای باشد که در مواجهه با تغییرات غیرمنتظره (مانند بحران‌های اقتصادی، بهداشتی یا زیست‌محیطی) انعطاف‌پذیر و تاب‌آور باشند. نظیر استفاده از ابزارهای مالی انعطاف‌پذیر (مانند صندوق‌های اضطراری) همراه با ابزارهای تنظیمی (مانند قوانین موقت)، یا ادغام ابزارهای اطلاعاتی (مانند سیستم‌های هشدار سریع) با ابزارهای اقتصادی (مانند یارانه‌ها) برای پاسخ سریع به بحران‌ها.

1. Co-production
2. Smart meters
3. Nudge

ارزیابی مستمر و اصلاح ترکیب ابزارهای خطمشی: اجرای ابزارهای خطمشی باید همراه با نظارت و ارزیابی مستمر باشد تا بتوان نقاط ضعف را شناسایی و اصلاح کرد. استفاده از داده‌ها و شواهد و روش‌های ارزیابی کمی پیشرفته در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در طراحی آمیخته ابزارهای خطمشی نظیر روش‌های پژوهش عملیاتی، روش‌های ساختاردهی مشکل، بازی‌های جدی، واقعیت‌های مجازی، ریسک پویا و شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPIs) برای بهبود کارایی و اثربخشی خطمشی‌ها توصیه می‌شود. مثال: ارزیابی تأثیر یارانه‌های آموزشی بر نرخ اشتغال و اصلاح برنامه‌ها بر اساس نتایج.

بهبود طراحی آمیخته ابزارها با استفاده از فناوری‌های هوشمند: با استفاده از فناوری‌های هوشمند، می‌توان سناریوهای مختلف را شبیه‌سازی کرد و تأثیرهای ترکیب‌های مختلف ابزارها را پیش‌بینی کرد. این امر به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا ترکیب بهینه‌ای از ابزارها را انتخاب کنند و عملکرد آن‌ها را به‌طور مستمر بهبود بخشند. این ارتباط به افزایش اثربخشی، انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی خطمشی‌ها کمک می‌کند برای مثال در سیاست بهبود سیستم بهداشت و درمان. در اینجا خطمشی‌گذاری هوشمند یعنی استفاده از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی شیوع بیماری‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع و آمیخته ابزار خطمشی، ترکیب ابزارهای مالی (مانند یارانه‌ها) و ابزارهای اطلاعاتی (مانند کمپین‌های آگاهی‌بخش).

طراحی یک آمیخته ابزار خطمشی متناسب با اهداف خطمشی و شرایط خاص، اجرای به‌هنگام آن و استفاده از رویکردهای پیش‌ارزیابی، اجرای پیش‌آزمون و ترکیب هوشمندانه ابزارها، می‌توان خطمشی‌ها را به‌صورت سنجیده‌تر، هوشمندانه‌تر و کارآمدتر طراحی و اجرا کرد. این رویکردها نه تنها از اتلاف منابع جلوگیری می‌کنند، بلکه اثربخشی خطمشی‌ها را در تحقق اهداف مورد نظر افزایش می‌دهند.

پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده

- **طراحی چارچوب ارزیابی اثربخشی آمیخته ابزارها:** به‌منظور تکمیل یافته‌های بخش پیامدهای سیاستی، پیشنهاد می‌شود توسعه مدل سنجش کمی با ترکیب شاخص‌های سیاستی، حکمرانی و محیطی در دستور کار پژوهشگران آتی قرار گیرد. این کار می‌تواند از طریق تحلیل مقایسه‌ای بین‌المللی با تأکید بر سیاست‌های مهارت‌آموزی در ۵ کشور منتخب انجام شود.
- **مطالعه تجربی تعامل ابزارها در بحران‌ها:** به‌منظور توسعه بخش پیامدهای حکمرانی، پیشنهاد می‌شود شناسایی الگوهای تاب‌آور در ترکیب ابزارهای تنظیمی - اقتصادی مورد پژوهش قرار گیرد.
- **تحلیل فناوری محور انتخاب ابزارها:** پیشنهاد می‌شود تأثیر هوش مصنوعی بر طراحی آمیخته ابزارها با تأکید بر معیارهای فنی شناسایی‌شده در این پژوهش، از طریق شبیه‌سازی کامپیوتری ترکیب ابزارها با الگوریتم‌های یادگیری ماشین، مورد سنجش قرار گیرد.

محدودیت‌های تحقیق حاضر

- محدودیت در دسترسی به داده‌های تجربی از اجرای ترکیب ابزارها در کشور
- چالش مقایسه‌پذیری مطالعات بین‌المللی به دلیل تفاوت‌های نهادی
- نیاز به مطالعات طولی برای سنجش پیامدهای بلندمدت

منابع

الوانی، سید مهدی (۱۳۸۷). خطمشی‌های عمومی و اجرا. حقوق و مصلحت، ۱(۱)، ۴۵-۵۸.

حسین‌پور، داود؛ الوانی، سید مهدی؛ اصلی‌پور، حسین؛ قربانی پاجی، عقیل (۱۴۰۳). ارائه چارچوبی از عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی‌های حوزه حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور، مدیریت دولتی، ۱۶(۴)، ۷۴۶-۷۱۰

References

- Alvani, S.M. (2008). Public and Executive Policies. *Rights and Expediency*, 1(1), 45-58. (in Persian)
- Bali, A. S., Howlett, M., Lewis, J. M. & Ramesh, M. (2021). Procedural policy tools in theory and practice. *Policy and Society*, 40 (3), 295-311. <https://doi.org/10.1080/14494035.2021.1965379>
- Bemelmans-Videc, M. L. (1998). *Introduction: Policy instrument choice and evaluation*.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Bressers, H. Th. A. & O'Toole, L. J. Jr. (2004). Instrument selection and implementation in a networked context. In P. Eliadis, M. Hill & M. Howlett (Eds.), *Designing Government: From Instruments to Governance*. Montreal, QB: McGill-Queen's University Press.
- Buckman, G. & Diesendorf, M. (2010). Design limitations in Australian renewable electricity policies. *Energy Policy*, 38(7), 3365-3376. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2010.02.012>
- Capano, G. & Howlett, M. (2020). The knowns and unknowns of policy instrument analysis: Policy tools and the current research agenda on policy mixes. *Sage Open*, 10(1), 1-13. <https://doi.org/10.1177/2158244019900568>
- Capano, G. & Lippi, A. (2017). How policy instruments are chosen: Patterns of decision makers' choices. *Policy Sciences*, 50, 269-293.
- Coban, M. K. & Bali, A. Z. (2023). Policy tools and the attributes of effectiveness: Spaces, mixes and instruments. In M. Howlett & I. Mukherjee (Eds.), *Routledge Handbook of Policy Tools*. London: Routledge.

- Daugbjerg, C. & Sønderskov, K. M. (2012). Environmental policy performance revisited: Designing effective policies for green markets. *Political Studies*, 60(2), 399–418. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9248.2011.00910.x>
- Del Rí'o, P., Ragwitz, M., Steinhilber, S., et al. (2012). Assessment criteria for identifying the main alternatives. *D2.2 report under the beyond 2020 project*, funded by the Intelligent Energy—Europe program. Retrieved from Energy Economics Group Website: <http://www.res-policy-beyond2020.eu/>.
- Flanagan, K., Uyarra, E. & Laranja, M. (2011). Reconceptualising the 'policy mix' for innovation. *Research Policy*, 40(5), 702–713. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2011.02.005>
- Franco Vargas, M. H. & Restrepo, D. R. (2019). The instruments of public policy: A transdisciplinary look. *Cuadernos De Administración*, 35(63), 101–113. DOI:10.25100/cdea.v35i63.6893
- Freire-González, J. (2018). Environmental taxation and the double dividend hypothesis in CGE modelling literature: A critical review. *Journal of Policy Modeling*, 40(1), 194–223. <https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2017.11.002>
- Ganghof, S. (2006). Tax mixes and the size of the welfare state: Causal mechanisms and policy implications. *Journal of European Social Policy*, 16(4), 360–373. [DOI:10.1177/0958928706068274]
- Gawel, E. (1991). *Environmental policy through mixed instrumentation: Allocative effects of instrumentally diversified steering strategies for environmental goods*. Berlin: Duncker & Humblot.
- Givoni, M., Macmillen, J., Banister, D. & Feitelson, E. (2013). From policy measures to policy packages. *Transport Reviews: Transnational Transdisciplinary Journal*, 33(1), 1–20. <https://doi.org/10.1080/01441647.2012.744779>
- Glaus, A. (2020). Policy design in flood risk management: Studying policy preferences in three sub-catchment areas in Switzerland. *WIT Transactions on the Built Environment*, 194, 35–47.
- Gunningham, N. & Sinclair, D. (1998). Designing environmental policy. In N. Gunningham & P. Grabosky (Eds.), *Smart Regulation: Designing Environmental Policy*. Oxford University Press, New York, pp. 375–453.
- Gunningham, N. & Sinclair, D. (1999). Integrative regulation: A principle-based approach to environmental policy. *Law & Social Inquiry*, 24(4), 853–896.
- Gunningham, N. & Young, M. D. (1997). Towards optimal environmental policy: The case of biodiversity conservation. *Ecology Law Quarterly*, 24, 243–298.
- Gunningham, N., Grabosky, P. & Sinclair, D. (1998). *Smart Regulation: Designing Environmental Policy*. Oxford: Clarendon Press.

- Hood, C. (1983). *The Tools of Government*. Macmillan.
- Hosseinpour, D., Alvani, S. M., Aslipour, H. & Ghorbani Paji, A. (2024). Presenting a Framework of Effective Factors on the Implementation of Policies in the Field of Protection and Exploitation of Forests in the North of the Country. *Journal of Public Administration*, 16(4), 710-746. doi: 10.22059/jipa.2024.371150.3460 (in Persian)
- Howlett, M. & Lejano, R. P. (2013). Tales from the crypt: The rise and fall (and rebirth?) of policy design. *Administration & Society*, 45(3), 357-381. <https://doi.org/10.1177/0095399712459725>
- Howlett, M. & Ramesh, M. (1998). Policy subsystem configurations and policy change: Operationalizing the post-positivist analysis of the politics of the policy process. *Policy Studies Journal*, 26(3), 466-481.
- Howlett, M. & Rayner, J. (2007). Design principles for policy mixes: Cohesion and coherence in new governance arrangements. *Policy and Society*, 26(4), 1-18. <https://doi.org/10.1016/j.polsoc.2007.11.001>
- Howlett, M. & Rayner, J. (2013). Patching vs packaging in policy formulation: Assessing policy portfolio design. *Politics and Governance*, 1(2), 170-182.
- Howlett, M. (1991). Policy instruments, policy styles, and policy implementation: National approaches to theories of instrument choice. *Policy Studies Journal*, 19(2), 1-21.
- Howlett, M. (2004). Beyond good and evil in policy implementation: Instrument mixes, implementation styles, and second-generation theories of policy instrument choice. *Policy & Society*, 23(2), 1-17. [https://doi.org/10.1016/S1449-4035\(04\)70030-1](https://doi.org/10.1016/S1449-4035(04)70030-1)
- Howlett, M. (2005). What is a policy instrument? Policy tools, policy mixes, and policy implementation styles. In P. Eliadis, M. Hill & M. Howlett (Eds.), *Designing government: From instruments to governance* (pp. 31-50). Montreal: McGill-Queen's University Press.
- Howlett, M. (2011). *Designing Public Policies: Principles and Instruments*. Routledge.
- Howlett, M. (2023). *The Routledge Handbook of Policy Tools*. Routledge. DOI: 10.4324/9781003163954
- Howlett, M. P., Hill, M. M. & Eliadis, F. P. (2005). *Designing Government: From Instruments to Governance*.
- Howlett, M., Kim, J. & Weaver, P. (2006). Assessing instrument mixes through program and agency-level data: Methodological issues in contemporary implementation research. *Review of Policy Research*, 23(1), 129-151. <https://doi.org/10.1111/j.1541-1338.2006.00189.x>
- Howlett, M., Pung How, Y. & Del Rio, P. (2015). The parameters of policy portfolios: Verticality and horizontality in design spaces and their consequences for policy mix formulation. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 33, 1233-1245.

- Howlett, M., Ramesh, M. & Capano, G. (2020). Policymakers, policy-takers and policy tools: Dealing with behavioural issues in policy design. *Journal of Comparative Policy Analysis*, 22(6), 487-497. <https://doi.org/10.1080/13876988.2020.1774367>
- Ingram, H. & Schneider, A. (2005). *Policy design for democracy*. University Press of Kansas.
- Justen, A. P., Franco, M. L. R. S., Monteiro, A. R. G., Mikcha, J. M. G., Gasparino, E. & Delbem, A. B. (2011). A process for designing policy packaging: Ideals and realities. *Environment and Planning*, 47, 35-38.
- Kemp, R., Olsthoorn, X., Oosterhuis, F. & Verbruggen, H. (1992). Supply and demand factors of cleaner technologies: Some empirical evidence. *Environmental and Resource Economics*, 2, 615-634.
- Kern, F. & Howlett, M. (2009). Implementing transition management as policy reforms: A case study of the Dutch energy sector. *Policy Sciences*, 42(4), 391-408. <https://doi.org/10.1007/s11077-009-9095-1>
- Kern, F., Kivimaa, P. & Martiskainen, M. (2017). Policy packaging or policy patching? The development of complex energy efficiency policy mixes. *Energy Research & Social Science*, 23, 11-25. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2016.11.002>
- Knill, C. & Tosun, J. (2012). *Public Policy: A New Introduction*. Macmillan International Higher Education, Basingstoke.
- Laegreid, P. (2018). Designing organizational tools: Tool choices as administrative reforms. In M. Howlett & I. Mukherjee (Eds.), *Routledge Handbook of Policy Design*. London: Routledge. [DOI:10.4324/9781351252928-18]
- Li, L., Wang, X., Wang, Q. & Wang, Q. (2020). Do policy mix characteristics matter for electric vehicle adoption? A survey-based exploration. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 85, 102488. <https://doi.org/10.1016/j.trd.2020.102488>
- Lindberg, M. B., Markard, J. & Andersen, A. D. (2019). Policies, actors and sustainability transition pathways: A study of the EU's energy policy mix. *Research Policy*, 48(10), Article 103668. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2018.09.003>
- Linder, S. H. & Peters, B. G. (1989). Instruments of government: Perceptions and contexts. *Journal of Public Policy*, 9(1), 35-58. DOI:10.1017/S0143814X00007960
- Mantino, F. & Vanni, F. (2019). Policy mixes as a strategy to provide more effective social and environmental benefits: Evidence from six rural areas in Europe. *Sustainability*, 11(23), 6632. <https://doi.org/10.3390/su11236632>
- Mukherjee, I. (2021). Rethinking the procedural in policy instrument 'compounds': A renewable energy policy perspective. *Policy and Society*, 40(3), 312-332. <https://doi.org/10.1080/14494035.2021.1955488>
- Optic. (2011a). Deliverable 6: Best practices and recommendations on policy packaging.

- Ostrom, E. (2011). Background on the institutional analysis and development framework. *Policy Studies Journal*, 39, 7-27.
- O'Toole, L. J. (2000). Research on policy implementation: Assessment and prospects. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 10(2), 263-288. <https://doi.org/10.1093/oxfordjournals.jpart.a024276>
- Pereira, Á., Carballo-Penela, A., Guerra, A. & Vence, X. (2018). Designing a policy package for the promotion of Servicising: A case study of vineyard crop protection in Galicia (Spain). *Journal of Environmental Planning and Management*, 61(2), 348-369. [DOI:10.1080/09640568.2017.1308317]
- Ring, I. & Schröter-Schlaack, C. (2011). Instrument mixes for biodiversity policies. *POLICYMIX Report*, Issue No. 2/2011, Helmholtz Centre for Environmental Research – UFZ, Leipzig.
- Rogge, K. S. & Reichardt, K. (2016). Policy mixes for sustainability transitions: An extended concept and framework for analysis. *Research Policy*, 45(8), 1620-1635. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2016.05.006>
- Sabatier, P. A. & Weible, C. M. (2014). *Theories of the Policy Process*. Westview Press.
- Salamon, L. M. (1981). Rethinking public management: Third-party government and the changing forms of government action.
- Salamon, L. M. (2002). The new governance and the tools of public action: An introduction. In L. M. Salamon (Ed.), *The Tools of Government: A Guide to the New Governance* (pp. 1-47). Oxford University Press.
- Schmidt, T. S., Schneider, M. & Hoffmann, V. H. (2012). Decarbonising the power sector via technological change—differing contributions from heterogeneous firms. *Energy Policy*, 43, 466–479. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2012.01.041>
- Siebert, H. (2005). *Economics of the Environment* (6th ed.). Berlin: Springer.
- Spyra, M., Cortinovis, C. C. & Ronchi, S. (2025). An overview of policy instruments for sustainable peri-urban landscapes: Towards governance mixes the current research agenda on policy mixes. *Sage Open*, 10(1), 1-13. [DOI:10.1177/2158244019900568]
- Stead, D., Geerlings, H. & Meijers, E. (2004). *Policy Integration in Practice: The Integration of Land Use Planning, Transport and Environmental Policy-Making in Denmark, England and Germany*. Delft: Delft University Press.
- Turner, R. K. & Opschoor, J. B. (1994). Environmental economics and environmental policy instruments: Introduction and overview. In J. B. Opschoor & R. K. Turner (Eds.), *Economic incentives and environmental policies: Principles and practice* (pp. 1–38). Dordrecht: Kluwer.

- Van den Bergh, J., Castro, J., Drews, S. & Exadaktylos, F. (2021). Designing an effective climate-policy mix: Accounting for instrument synergy. *Journal of Environmental Economics and Policy*, 10(2), 1-20. <https://doi.org/10.1080/21606544.2021.1234567>
- Van Gossum, P., Arts, B. & Verheyen, K. (2009). Smart regulation: Can policy instrument design solve forest policy aims of expansion and sustainability in Flanders and the Netherlands? *Forest Policy and Economics*, 11, 616-627. DOI:10.1016/j.forpol.2009.10.004
- Verweij, S., Busscher, T. & van den Brink, M. (2021). Effective policy instrument mixes for implementing integrated flood risk management: An analysis of the 'Room for the River' program. *Environmental Science and Policy*, 116, 204-212. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2020.12.003>
- Wilts, H. & O'Brien, M. (2019). A policy mix for resource efficiency in the EU: Key instruments, challenges and research needs. *Ecological Economics*, 155, 59-69. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2018.05.004>
- Wu, X., Ramesh, M., Howlett, M. & Fritzen, S.A. (2010). *The Public Policy Primer: Managing Public Policy*. London: Routledge.
- Zhang, F., Di, X., Yang, X., Yang, X., Jiang, Q. & Yuan, C. (2022). Will the policy instruments mix promote the facility input of care institutions for older people in China? *Public Health*, 10. DOI: 10.3389/fpubh.2022.840672